



وزارت آموزش و پرورش

توانا بود هر که دانا بود

تعلیمات دینی

پنجم دبستان

۴۳

سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
کتابخانه
تاریخ ثبت: ۳۰/۴/۳۰
شماره ثبت: ۳۰/۴/۳۰

وزارت آموزش و پرورش

توانا بود هر که دانا بود



۲۵۰۲۸

تعلیمات دینی

پنجم دبستان

سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

مرکز اسناد و اطلاع رسانی

ارتقا و کتابهای درسی

شماره ثبت: ۳۰/۴/۳۰ تاریخ:

۱۳۴۹ - ۱۳۵۰

۸۲/۱/۱۴

سازمان کتابهای درسی ایران

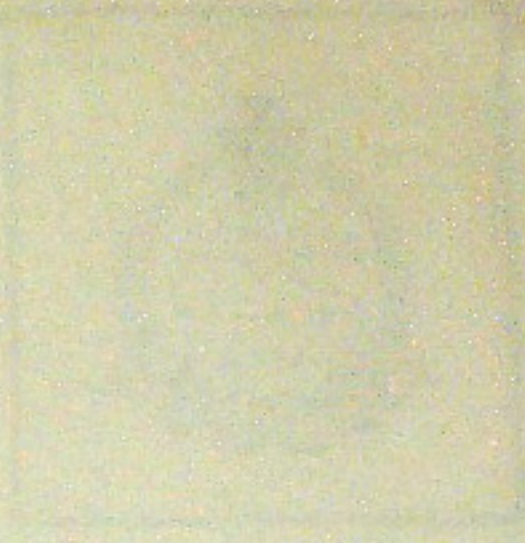
۲۳

همراه این کتاب، کتاب راهنمایی برای تدریس آن چاپ و به تمام مدارس فرستاده شده است. آموزگاران با توجه به راهنماییهایی که در آن کتاب شده، کتاب حاضر را تدریس خواهند کرد.

۱۳۴۹

۱۰۵

۳۰۰



در سال ۱۳۲۶ به فرمان شاهنشاه آریامهر، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی تشکیل یافت و اساسنامه آن به اجرا گذارده شد. طبق بند «ب» از سومین ماده این اساسنامه کمک به فرهنگ و مساعدت به دانش آموزان و دانشجویان مستعد کشور از جمله مقاصد سازمان بشمار آمد.

برای اینکه بتوان به فرهنگ کشور کمکی مهم و مؤثر معمول داشت، به پیروی از علاقه و توجه شاهنشاه آریامهر به تعمیم تعلیمات ابتدایی و با سواد شدن مردم و به ابتکار والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالییه، سازمان شاهنشاهی تصمیم گرفت که کتابهای دوره ابتدایی را در نظام نوین آموزش و پرورش بطریقی مرغوب و مطلوب چاپ کند تا میان دانش آموزان سراسر کشور توزیع گردد.

برای آنکه دانش آموزان در صورت نیاز به نسخه‌های اضافی کتابهای درسی خود دسترسی داشته باشند، به پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش تصمیم گرفته شد که تعدادی کتب درسی پنج ساله ابتدایی نیز بطور جداگانه چاپ و برای فروش در بازار آزاد عرضه گردد که این کتاب از آن جمله است. بدین طریق به امر مبارک شاهنشاه آریامهر در راه خدمت به فرهنگ کشور قدم بزرگ دیگری برداشته شده است که مسلماً تأثیر آن از نظر ارباب بصیرت پوشیده نخواهد بود. سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی طی چند سالی که از ایجاد آن می‌گذرد تأسیساتی در کشور بوجود آورده و اقداماتی معمول داشته است که مهمترین آنها فهرست‌وار ذکر می‌شود:

- ۱ - آموزشگاه عالی پرستاری اشرف پهلوی - تهران.
- ۲ - آموزشگاه حرفه‌ای رضا پهلوی - تهران.
- ۳ - دویست و پنجاه و پنج درمانگاه در نقاط مختلف بخصوص روستاهای دور افتاده سراسر کشور که در آنها درمان و دارو برای همه رایگان است.
- ۴ - سه بیمارستان بزرگ: بیمارستان رضا پهلوی (تجربش) - بیمارستان فرح پهلوی (رامسر) - بیمارستان نکونی (قم).
- ۵ - آموزشگاه بهیاری فرح پهلوی - رامسر.
- ۶ - آموزشگاه بهیاری رضا پهلوی - تجربش.
- ۷ - بخش پرتوشناسی (عکسبرداری) - در محل بیمارستان رضا پهلوی - تجربش.
- ۸ - بخش درمان کچلی - در محل بیمارستان رضا پهلوی - تجربش.
- ۹ - بخش جراحی سوانح و حوادث بیمارستان سینا - تهران.
- ۱۰ - کارخانه داروسازی بنگاه خیریه داروپخش برای تهیه داروهای مرغوب و ارزان در داخل کشور - تهران.
- ۱۱ - چاپخانه عظیم بیست و پنجم شهریور که همین کتابهای ابتدایی نیز در آنجا طبع می‌شود.
- ۱۲ - درمانگاه و ناهارخوری بنگاه شماره ۲ اشرف در سر آسیاب دولاب - تهران.
- ۱۳ - نوسازی شهر دزفول و برانداختن کانون تراخم از این شهر.
- ۱۴ - پنج شعبه کمک به مادران و کودکان (اندرزگاه) در تهران و ۸۱ شعبه در سراسر کشور.
- ۱۵ - کمکهای نقدی و جنسی و دارویی به مؤسسات خیریه دیگر.
- ۱۶ - کمکهای نقدی به مؤسسات آموزشی و تربیتی.
- ۱۷ - کمکهای اتفاقی به هنگام بروز سوانح طبیعی مانند زلزله و سیل در نقاط مختلف کشور.
- ۱۸ - کمک به معلولین بی‌بضاعت.

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی

پیام خدا

تألیف :

سیدرضا برقی - محمدجواد باهنر - علی گلزاده

چاپ : چاپخانه بیست و پنجم شهریور (شرکت سهامی افست)

حق چاپ محفوظ است.

بسم خدا

آنچه در این کتاب می خوانید

صفحة		صفحة	
۵۶	زکات، خدمات مالی يك مسلمان به جامعه	۲	خداوندا! ما به تو امیدواریم
۵۸	خمس	۴	ما خدا را می پرستیم
۶۰	حج یا کنگره بزرگ اسلامی	۶	نبوت
۶۲	جهاد، یا کوشش در راه نجات همنوعان و گسترش اسلام	۸	پیغمبر اسلام در مدینه
۶۳	پاسداری همگانی یا امر به معروف و نهی از منکر	۱۰	قرآن
۶۵	قرآن بخوانیم	۱۱	جعفر بن ابی طالب در باره اسلام سخن می گوید
	» (از نعمتهایی که خدا به ما داده است خوب استفاده کنیم)	۱۳	برنامه روزانه يك خانواده دیندار هنگام صبح
۶۶	» (هدف همه پیغمبران اصلاح جامعه بوده است)	۱۵	برنامه روزانه يك خانواده دیندار به سوی کار و مدرسه
۶۷	» (با ایمان باشیم و در راه کسب دانش کوشش کنیم)	۱۷	برنامه روزانه يك خانواده دیندار هنگام ظهر و شب
۶۹	» (پاکدل و با نظافت باشیم)	۱۸	رفتار ما در خانه چگونه باید باشد؟
۷۰	» (به وظایف دینی و اجتماعی خود عمل کنیم)	۲۰	ادب و فروتنی شرط دینداری است
۷۲	» (به یاری مستمندان بشتابیم)	۲۲	رعایت احترام دیگران
۷۳	» (در خرج مال میانه رو باشیم)	۲۴	فروتنی
۷۴	» (کارهای خود را از روی فکر و دقت انجام دهیم)		چه کسانی بر ما حق دارند و چگونه باید از آنان حق شناسی کنیم؟
۷۶	» (از مکافات عمل غافل مشو)	۲۵	
۷۸	» (مال خود را از راه حلال بدست آوریم و در راه حلال مصرف کنیم)	۲۷	حمایت از حیوانات
۸۰	» (یار و مددکار دیگران باشیم)	۲۸	پاکی - پاکیزگی
۸۱	» (شکر نعمت افزون کند)	۳۰	معاشرت با نیکان
۸۳	» (آداب صحیح معاشرت را رعایت کنیم)	۳۲	عقیده مسلمان
۸۴	» (کارهای نیک انجام دهیم تا فردی شایسته باشیم)	۳۴	سخنان آموزنده
۸۶	» (از حقیقت دفاع و از باطل پرهیز کنیم)	۳۶	چند اندرز از پیغمبر اسلام
۸۷	» (در زندگی با انصاف و عدالتخواه باشیم)	۳۷	معاد
۸۹		۳۹	امامت
		۴۱	امام هشتم
		۴۳	امام نهم
		۴۴	امام دهم
		۴۵	امام یازدهم
		۴۶	امام دوازدهم
		۴۷	اصول و فروع دین اسلام
		۵۰	تقلید
		۵۲	اخلاق و رفتار نمازگزار باید چگونه باشد؟
		۵۳	نماز جماعت
		۵۴	آنچه از روزه می آموزیم

خداوندا! ما به تو امیدواریم

خداوندا!

به نام تو آغاز می کنیم

و به لطف و مهر تو دل بسته ایم؛

پروردگارا!

لطف بی پایانت همه جا را فرا گرفته است؛

به هر جا می نگریم،

جلوه قدرت و عظمت تو آشکار است؛

در هر چه می اندیشیم،

جلال و شکوه ذات مقدست پدیدار است؛

تویی که سرشار از مهر و محبتی؛

به همه چیز دانا و بر هر چیز توانایی؛

تو ما را از نیستی به هستی آوردی؛

و به ما تواناییهای فراوان و نعمتهای بیشمار دادی.

ما همه به تو نیازمندیم و تو از همه بی نیازی.

ما همه به تو امیدواریم،

چه تو مایه امید جهانی.

خدایا!

دوست داریم که همیشه با تو آشنا باشیم،

و در سختی و آسانی به تو رو آوریم،
و از تو پناه بخواهیم،
و در هر حال خشنودی تو را بجوییم
و راه تو را پیوییم.
و در همه حال سپاسگزار تو باشیم.

پروردگارا!

به ما توفیق ده تادر راههای خیرکوشا باشیم؛
دست افتادگان گیریم؛
از کسی بدگویی نکنیم؛
بدبین و بدخواه دیگران نباشیم؛
راست بگوییم و درست بیندیشیم؛
خیرخواه همه باشیم؛
و در راه دین تو قدم برداریم.
راه دین،
راه پاکی و راستی،
راه دانش و فضیلت است.

خداوندا!

در این راه پایدارمان بدار.

ما خدا را می‌پرستیم

روزی که ما دنیا آمدیم، موجودی ضعیف و ناتوان بودیم. نمی‌توانستیم حرف بزنیم. نمی‌توانستیم راه برویم. حتی اگر پشه‌ای روی بدن ما می‌نشست، نمی‌توانستیم آن را از خود دور کنیم. نمی‌توانستیم هرگونه غذایی را بخوریم. تنها غذای مناسب ما شیر بود. مادر ما به ما محبت فراوان می‌داشت تا آنجا که اگر لازم بود شبها بیدار می‌ماند و از ما نگهداری می‌کرد.

وقتی کمی بزرگ شدیم و به خوردن دیگر غذاها نیازمند گشتیم، کم‌کم در دهان ما دندانهایی رویدند. پس از چندی دندانهای دوران کودکی، که سست و کوچک بودند، ریختند و دندانهای محکمتری به جای آنها رویدند.

بدینگونه ما بزرگ و بزرگتر شدیم.

پیش از ما هم سالیان دراز افراد و اقوامی بسیار به این دنیا آمده و رفته‌اند.

اکنون ببینیم کیست که این جهان را بوجود آورده است و اداره می‌کند. کیست که خود باقی و برقرار است و این عالم بزرگ را با این همه نظم و ترتیب در تغییر و تبدیل قرار داده و زمین را بگردش آورده است؟

کیست که تمام جهان را نگهداری می‌کند؟

او يك وجود بزرگ و بی‌همتاست که همه چیز را هستی بخشیده است.
او خدای یکتاست که همیشه بوده و خواهد بود و گردش منظم ستارگان،
ماه و زمین، و پیدایش شب و روز و بهار و تابستان و خزان و زمستان
به خواست و قدرت او انجام می‌گیرد.

افراد بشر اگر خدای یگانه را پرستند و از او پیروی کنند رستگار
خواهند شد. چنانکه پیغمبر اسلام می‌فرمود:

الله الله
الله الله
قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا .
الله الله
الله الله

یعنی بگویید: «جز خدای یگانه خدایی نیست تا رستگار شوید»

پرستیم از دل و از جان خدا را

که گیتی را پدید آورد و ما را

نبوت

در طول تاریخ بشر، از میان مردم افرادی برای راهنمایی ایشان از طرف خدا انتخاب شده‌اند که آنان را «پیامبر یا پیغمبر» می‌گویند. این راهنمایان برای اصلاح جامعه و آسایش مردم بسیار کوشیده‌اند.

پیامبران برای آن آمده‌اند که مردم را از نادانی نجات دهند و از پرستش بتها و پیروی خرافات و تسلیم در برابر زورگویان و ستمکاران باز دارند، و به اطاعت از خداوند و انجام دادن کارهای پسندیده راهنمایی کنند.

پیامبران همیشه به مردم آموخته‌اند که باید طرفدار و خواستار حق و عدالت باشند. هرکس باید بکوشد که به حق خویش برسد و حق دیگران را ضایع نکند. پیغمبران باعلاقه‌مندی فراوان می‌کوشیدند که به مردم بیاموزند همیشه درست فکر کنند و درست عمل کنند و از کج فکری و موهوم پرستی و نادانی برهند.

پیامبران بشر را به اتحاد و یگانگی دعوت کردند و به آنان نشان دادند که این یگانگی تنها در سایه ایمان به خدای یکتا پیدا می‌شود. آنان می‌آموختند که افراد بشر از هر نژاد و ملتی که باشند، می‌توانند با یکدیگر برادر و برابر و صمیمی باشند و از اختلافات و دشمنیها دست بردارند.

رفتار و کردار و گفتار پیامبران خدا بدانگونه بود که مردم خردمند به پیغمبری آنان یقین و اقرار می کردند.

ما تمام پیامبران خدا را محترم می شماریم و آنان را که هر يك به سهم خود خدمت بزرگی به بشریت کرده اند و در راه خدا از هیچ زحمتی نهراسیده اند از جان و دل دوست می داریم.

آخرین پیغمبران، حضرت محمد بن عبدالله (ص) است.

دستورهایی که به وسیله آن حضرت از طرف خدا آمده است به اندازه ای کامل است که برای تأمین آسایش و خوشبختی بشر کافی است و پس از او پیغمبر دیگری نخواهد آمد.

پیغمبر اسلام در مدینه

حضرت محمد پس از سیزده سال پیامبری در مکه، به شهر مدینه هجرت فرمود.

مسلمانان مکه هم رفته رفته بدان شهر آمدند تا از شر دشمنان آزاد شوند و به یاری اسلام بپردازند.

پیغمبر اسلام از نخستین سال ورود خود به مدینه پایه های گسترش اسلام را ریخت:

○ مسجد مدینه را بنا نهاد، تا مرکز عبادت و کارهای اجتماعی مسلمانان باشد.

○ دو دسته از مردم مدینه را که بایگدیگر دشمنی دیرینه داشتند، با هم دوست و مهربان کرد.

○ بین «مهاجران» و «انصار» پیوند دوستی و برادری برقرار کرد.

● «مهاجران» آنان بودند که برای رساندن دستورهای خداوند به مردم، از مکه به مدینه آمده بودند.

● «انصار» آن دسته از مردم مدینه بودند که پیغمبر و یاران مهاجر او را یاری می‌کردند.

پیغمبر آیات الهی را بر مردم می‌خواند و دستورهای اسلام را در بین آنان رواج می‌داد. مسلمانان هم باعلاقه فراوان دستورهای او را عمل می‌کردند.

خداپرستی، مهربانی، عدالت، همکاری، استقامت و وظیفه‌شناسی مسلمانان باعث شد که مردم اطراف مدینه هم به آنان بپیوندند و اسلام پیشرفت کند.

از سال ششم هجری پیغمبر اسلام به زمامداران کشورهای بزرگ دنیا نامه نوشت و آنان را به قبول دین اسلام دعوت کرد.

قرآن

بزرگترین معجزه پیغمبر ما قرآن است که بی هیچ تغییری باقی مانده و برای همیشه باقی خواهد ماند. قرآن دارای دستورهایی است که درست بکار بستن آنها مردم را در زندگی رستگار و خوشبخت می کند. از این روست که همگی باید قرآن را خوب فراگیریم و معنای آیه های آن را خوب بفهمیم تا بتوانیم مطابق آن رفتار کنیم.

قسمتی از مطالب قرآن درباره تشویق ما به درست فکر کردن درباره این جهان پهناور است تا به قدرت و بزرگی خدا پی ببریم و وظیفه خود را در برابر آفریدگار خویش فراموش نکنیم.

قسمتی دیگر مربوط به روز بازپسین است و اینکه کارهای خوب دارای پاداش و کارهای زشت دارای کیفرند.

قسمتی نیز راجع به آداب زندگی و معاشرت و بیان حقوق افراد و اجتماع و اخلاق پسندیده است. در این قسمت دستورهایی آمده است که عمل کردن به آنها باعث نظم جامعه و برقراری عدالت و امنیت و رفاه و آسایش همه مردم می شود.

بخش دیگر قرآن، شرح سرگذشت‌های بعضی از ملت‌های قدیم است که از مطالعه آن پند فراوان می گیریم.

جعفر بن ابی طالب دربارهٔ اسلام سخن می‌گوید

در زمانی که پیغمبر اسلام مردم مکه را راهنمایی می‌کرد دشمنان می‌کوشیدند مردم را از پیروی پیغمبر باز دارند تا اینکه آن حضرت دستور داد جمعی از مسلمانان به حبشه هجرت کنند و در آنجا زندگی کنند و آزادانه به پرستش خدا و رساندن دستوره‌های او به مردم بپردازند.

وقتی که دشمنان خبردار شدند دو نفر پیش نجاشی پادشاه حبشه فرستادند و دربارهٔ مسلمانان بدگویی کردند و از او خواستند که مسلمانان را پناه ندهد و آنان را به مکه باز گرداند.

نجاشی برای آگاهی از حقیقت امر مسلمانان را دعوت کرد. جعفر فرزند ابی طالب نمایندهٔ مسلمانان به منظور معرفی اسلام چنین گفت:

« . . . ما مردمی نادان بودیم، بت می‌پرستیدیم، کارهای زشت»

«می‌کردیم، حقوق همسایگان را رعایت نمی‌کردیم، نیرومندان»

«حق افراد ناتوان را پایمال می‌کردند. ما چنین بودیم تا آنگاه»

«خدا از میان ما پیغمبری برانگیخت که او را به راستگویی»

«می‌شناسیم، به امانت و پرهیزکاری او ایمان داریم. این پیغمبر»

«مارا دعوت کرد تا خدای یگانه را پرستش کنیم، دست از بت پرستی»

«برداریم، راستگو، امانتدار، خوشرفتار و پرهیزکار باشیم، کار»

«زشت نکنیم، مال یتیمان را نخوریم، پاکدامن باشیم، نماز بخوانیم،»
«زکات بدهیم، روزه بگیریم. اما مردم سرزمین ما تنها به خاطر»
«آنکه چنین دینی را پذیرفتیم بر ما ستم کردند، ما را شکنجه»
«دادند تا از این دین دست بداریم و دوباره به بت پرستی باز»
«گردیم. کارهای زشت را از سر بگیریم. چون کار بر ما دشوار»
«شد به کشور تو پناهنده شدیم و از پادشاهان، ترا برگزیدیم.»
«امیدواریم در پناه تو از گزند دشمنان در امان باشیم»

نجاشی پرسید از سخنانی که پیغمبر شما از جانب خدا آورده است چیزی
بیاد دارید تا بازگو کنید؟

جعفر آیات اول سوره مریم را خواند.

در این آیه ها خدا از حضرت عیسی و مریم بخوبی یاد کرده است.

نجاشی مسیحی بود و این آیات در او و اطرافیانش بسیار مؤثر افتاد.
نجاشی گفت:

به خدا سوگند، این سخنان مانند سخنان عیسی است و بسیار به پیغمبر
اسلام علاقه مند شد. به دو نماینده بت پرستان رو کرد و گفت:

«من هرگز این مسلمانان را از سرزمین خود بیرون نمی کنم و در اینجا
با کمال احترام خواهند ماند.»

برنامه روزانه يك خانواده ديندار

هنگام صبح

مسعود از دانش‌آموزان خوب و منظم پایه پنجم است. خانواده مسعود افرادی دیندار و مسلمان هستند و همه از اخلاق و رفتار این خانواده تعریف می‌کنند.

برنامه زندگی روزانه آنان بدین ترتیب شروع می‌شود:

پدر و مادر مسعود، صبح زود پیش از طلوع آفتاب از خواب برمی‌خیزند و فرزندان خود را با آرامی و محبت بیدار می‌کنند. همه پیش از هر چیز خود را برای نماز آماده می‌کنند. سعی دارند بسیار تمیز و بانشاط باشند تا وقت نماز خواندن، توجه بیشتری به آنچه می‌گویند و انجام می‌دهند پیدا کنند. خود را شست و شو می‌دهند، وضو می‌گیرند و برای آنکه آداب وضو را رعایت کنند دهان و بینی خود را می‌شویند. پس از گرفتن وضو در جای پاکیزه و آرامی مشغول به نماز خواندن می‌شوند. در حال نماز خواندن فقط متوجه خدا هستند.

نماز برای آنان درس آموزنده‌ای است. چون می‌دانند که در نماز با خدا صحبت می‌کنند و از او می‌خواهند که آنان را به راه راست هدایت فرماید تا کارهای نیک انجام دهند و از کارهای زشت دوری کنند.

پس از نماز هر روز یکی از آنان چند آیه از قرآن را با ترجمه آنها می‌خواند و دیگران گوش می‌کنند.

سپس حرکات ورزشی ساده‌ای انجام می‌دهند تا برای کار روزانه نشاط و آمادگی بهتری پیدا کنند. برای تهیه صبحانه همه با یکدیگر همکاری می‌کنند و هر یک کاری را انجام می‌دهد. پس از آن همگی با خوشرویی و محبت دور سفره جمع می‌شوند.

وسایل سفره آنها بسیار پاکیزه است. آنها با رعایت آداب صحیح غذا می‌خورند. در سر سفره کمتر حرف می‌زنند، در خوردن غذا زیاده‌روی نمی‌کنند و در پایان دست و دهان خود را می‌شویند و برای رفتن به سوی کار و مدرسه آماده می‌شوند.

در این منزل همه بچه‌ها کار می‌کنند. بچه‌های کوچک کارهای سبک و ساده را انجام می‌دهند و بچه‌های بزرگ در انجام دادن کارهای دشوار به بزرگترها کمک می‌کنند. بچه‌های بزرگ مراقب بچه‌های کوچکند و با آنها بمهربانی رفتار می‌کنند.

برنامه روزانه يك خانواده ديندار

به سوي كار و مدرسه

* مسعود و خواهرش فریده پس از خوردن غذای صبح کیف و کتاب خود را برمی دارند و به مدرسه می روند. رفتار و اخلاق آنان در بین راه و در محیط مدرسه بسیار خوب است. به آشنایان و دوستان خود سلام می کنند. همیشه از سمت راست پیاده رو حرکت می کنند. هنگام عبور از خیابان به مقررات رفت و آمد توجه دارند. به درس خواندن علاقه دارند و تمرینهای درس را خوب انجام می دهند. همیشه به دوستان خود کمک می کنند و مدیر و معلم خود را دوست می دارند.

* پدر این خانواده که در بازار کار می کند پس از صرف ناشتایی به دنبال کسب خود می رود. او با یاد خدا خانه را ترك می کند. سعی دارد کار خود را در بازار خوب انجام دهد و با مردم مهربان و خوشرفتار باشد. در کار خود سستی و خیانت نمی کند. به مشتریان خود دروغ نمی گوید. به کسی ظلم نمی کند و با سود کم کالاهای خود را می فروشد. وی فروشنده ای است مورد اعتماد که مشتریان فراوان دارد.

* پسر بزرگ این خانواده چندی است که در یکی از ادارات کار می کند. او هم پس از صرف ناشتایی با یاد خدا به طرف اداره حرکت می کند. بسیار کاردان و ورزیده است. در کار اداره همیشه خدا را در نظر

دارد. خود را در برابر حقوقی که می‌گیرد مسئول می‌داند. در انجام دادن کارها نظم و ترتیب را رعایت می‌کند. بموقع سرکارش حاضر می‌شود. کسی را معطل و سرگردان نمی‌کند. بامراجعان خود بامهربانی و ادب رفتار می‌کند. به کسی دروغ نمی‌گوید. سعی دارد مشکل همه را تا آنجا که ممکن است حل کند. بدین سبب همه او را دوست دارند و از پشتکار و خوشرفتاری او تعریف می‌کنند.

* کارِ خانه و تربیت کودکان را مادر بعهده دارد و بخوبی آنها را انجام می‌دهد. محیط داخلی خانه بسیار تمیز و منظم است. همه چیز در جای خود قرار دارد. غذای لذیذ تهیه می‌شود. بچه‌های کوچک از مهربانی و تربیت صحیح مادر برخوردارند. همه کودکان از مادر مهربان خود قدردانی می‌کنند. چون کارهای خانه زیاد است، دیگر افراد خانواده وقتی که به‌خانه برمی‌گردند به‌اندازه توانایی به‌مادر کمک می‌کنند.

برنامه روزانه يك خانواده ديندار

هنگام ظهر و شب

افراد خانواده مسعود هنگام ظهر که به خانه باز می گردند، سعی دارند نماز خود را بموقع بخوانند و باتوجه و صفای بیشتر خدا را یاد کنند. پس از نماز غذا می خورند و کمی استراحت می کنند. سپس به سوی محل کار یا مدرسه خود می روند.

هنگام عصر، بچه ها، وقتی که از مدرسه بازگشتند، پس از کمی تفریح، تکلیفهای مدرسه خود را انجام می دهند.

پس از خواندن نماز در محیط گرم و دوستانه ای شام صرف می کنند. سپس به گفتگو می پردازند یا باسرگرمیهای مفید خود را سرگرم می کنند. بعضی که دوست دارند کتابهای شیرین و آموزنده مطالعه می کنند. همگی سعی دارند زود بخوابند تا صبح زود هم از خواب برخیزند و سالم و خوشحال باشند.

بدین ترتیب زندگی این خانواده مسلمان همه اش لذتبخش و آرام و پر نشاط است.

هم کار می کنند و هم درس می خوانند و هم خدا را عبادت می کنند و هم به غذا و تفریح و استراحت خود می رسند.

این خانواده خانواده ای موفق و خوشبخت است. چون زندگی افراد آن منظم است و همه به وظیفه خود آشنا هستند. در کارهای خیر پیشقدمند و در همه حال خدا را بیاد دارند.

رفتار ما در خانه چگونه باید باشد؟

خانه محلّ آسایش و زندگی تمام افراد خانواده است. از این رو لازم است هر يك از افراد خانواده به اندازه توانایی خود در کارهای خانه شرکت کند و کارهایی را که به عهده او گذاشته می شود با کمال علاقه انجام دهد.

فرزندان به پدر و مادر احترام بگذارند و بکوشند از دستورهای آنان اطاعت کنند.

خواهران و برادران نسبت به یکدیگر مهربان باشند.

برادر و خواهر بزرگ به کوچکتران کمک کنند و مراقب آنان باشند و در کارهای خانه و درس و مدرسه آنان را راهنمایی کنند.

رفتار بزرگتران بدانگونه باشد که کوچکتران از آن سرمشق بگیرند. برادر و خواهر کوچکتر نیز وظیفه دارند که به بزرگتران احترام بگذارند و پند و اندرزشان را بپذیرند.

همه باید کوشش کنند تا خانه خود را محلّ آسایش و دلخوشی سازند و بقسمی رفتار کنند که آسایش و استراحت همسایگان از میان نرود.

رعایت حق و احترام همسایگان از دستورهای واجب دینی است.



گرچه اسلام سفارش می‌کند که نسبت به همه مردم مهربان و وفادار باشیم، اما خواسته است که درباره خویشان و نزدیکان خود توجه بیشتری کنیم.

پیغمبر اکرم می‌فرمود:

«باخویشان خود پیوند دوستی برقرار

کنید و با آنان رفت و آمد داشته باشید»

بنابراین لازم است در فکر خویشان خود، هر جا که هستند، باشیم و با آنان رابطه برقرار کنیم و از حالشان باخبر باشیم. اگر نزدیکند به دیدارشان برویم و اگر دورند به آنان نامه بنویسیم و به هنگام بیماری یا ناداری و درماندگی به ایشان کمک کنیم.

ادب و فروتنی شرط دینداری است

یکی از صفات برجسته پیغمبر و امامان ما اخلاق خوب و رفتار مهربانانه آنان با مردم بوده است. آنان همیشه افرادی فروتن و با ادب بودند و با همه به محبت و مهربانی رفتار می‌کردند. ما باید طرز رفتار پیشوایان دینی خود را سرمشق قرار دهیم و بکوشیم که چنان رفتاری داشته باشیم و تنها به گفتن اینکه ما مسلمانیم قناعت نکنیم. برای آنکه متواضع و فروتن باشیم باید:

* از غرور و خودپسندی دوری کنیم و به کسی صدمه و آزار نرسانیم؛

* خود را از دیگران بهتر و بالاتر ندانیم؛

* با همه مردم با ادب و مهربانی و احترام رفتار کنیم؛

* در معاشرت و رفت و آمد خود، به مردم بی‌اعتنا نباشیم؛

* در سلام کردن به دوستان و آشنایان پیشدستی کنیم و انتظار سلام از دیگران نداشته باشیم؛

* در انجام دادن کارهای خانه به پدر و مادر کمک کنیم و از خریدن و

آوردن وسایل مورد نیاز به خانه خجالت نکشیم؛

* نسبت به کسانی که با ما در يك محل زندگی می‌کنند مهربان باشیم و احترام آنان را رعایت کنیم، اگرچه در ظاهر زبردست یا خدمتکار ما باشند؛

* به زبردستان خود کارهای زیاد و سخت رجوع نکنیم و از غذا خوردن با آنان ناراحت نباشیم؛

* اگر نصیحت و سخن حقی شنیدیم از جان و دل آن را بپذیریم. حتی اگر کسی عیب ما را به ما باز گفت دلگیر نشویم و از گوینده تشکر کنیم، و بکوشیم که آن عیب را برطرف کنیم؛

* اگر وارد مجلسی شدیم، هرکجا برای نشستن مناسب‌تر بود بنشینیم و توقع نداشته باشیم که در جای مخصوصی بنشینیم؛

* باید در نظر داشت که تواضع آن نیست که زبان به تملق و چاپلوسی بگشاییم و از این و آن تعریف بیجا کنیم و بدین وسیله خود را کوچک و خوار گردانیم.

رعایت احترام دیگران

روزی حضرت محمد (ص) با چند نفر از یاران خود در مسجد مدینه نشسته بود و پیش از شروع نماز با آنان صحبت می کرد. کم کم مردم از گوشه و کنار وارد مسجد شدند تا با پیغمبر اکرم نماز بخوانند و از سخنان آن حضرت استفاده کنند.

در این میان مرد توانگری که لباسهای گران قیمت پوشیده بود وارد مسجد شد و روبروی پیغمبر نشست. لحظه ای بعد، مرد دیگری وارد شد. این مرد لباس ساده ای برتن داشت و معلوم بود که شخصی زحمتکش و بیچیز است.

چون در صف جماعت همه در کنار هم می نشینند، آن دو مرد توانگر و بیچیز نیز در کنار هم قرار گرفتند. اما آن که توانگر بود دامن لباسش را جمع کرد و خود را کنار کشید.

پیغمبر اسلام، که متوجه این حادثه بود، خواست به مردم بفهماند که اسلام دین برابری است؛ توانگر و تهیدست هر دو انسانند و باید مورد احترام باشند و کسی حق بی اعتنائی به دیگری ندارد. پس رو به مرد ثروتمند کرد و سؤال فرمود:

« این که خود را کنار کشیدی، از آن جهت

بود که ترسیدی از ثروت تو چیزی به او

برسد یا ناداری او به تو سرایت کند؟!»
مرد توانگر دریافت که کار خوبی از او سر نزده و رعایت احترام برادر
دینی خود را نکرده است. چون مرد با انصافی بود، به اشتباه خود اعتراف
کرد و به پیغمبر گفت:

«من اشتباه کردم و حاضرم برای جبران این
گناه نصف ثروتم را به دوست تهیدست خود
بخشم.»

پیغمبر رو به مرد تهیدست کرد و فرمود:

«چه می گویی؟»

مرد تهیدست پاسخ داد:

«او را می بخشم، اما پیشنهادش را قبول
نمی کنم، زیرا نمی خواهم بی آنکه زحمتی
کشیده باشم مالی بدست آورم.»

فروتنی

روزی امام موسی کاظم (ع) بر مرد چادر نشین و سیاه پوستی می گذشت. پیش رفت و سلام کرد. احوال چادر نشین را پرسید و مدتی نشست و با او صحبت کرد. هنگام رفتن نیز با او خداحافظی گرمی کرد و به او فرمود:

«اگر کاری داشته باشید برای انجام دادن آن آماده‌ام.»

یاران امام که این رفتار را دیدند گفتند:

ای فرزند پیغمبر خدا! شما با چنین مرد گمنام و ساده‌ای می نشینید و سخن می گوئید. وقتی هم می خواهید خداحافظی کنید با کمال ادب می فرمایید: «هرکاری که داشته باشید برای انجام دادن آن آماده‌ام». آیا برای شخص بزرگواری چون شما سزااست که با چنین مردی چنان صحبت و رفتار کند؟!

امام در جواب فرمود:

«این شخص هم بنده‌ای از بندگان خداست. خدا همه بندگان را برابر آفریده است. بخصوص او که مسلمان و برادر دینی ماست. از این گذشته، وضع انسان همیشه یکسان باقی نمی ماند. کسی که امروز نیازمند کمک ماست، چه بسا روزی ما به او نیاز پیدا کنیم. اگر امروز به او بی‌اعتنایی کنیم و به کمکش نشتابیم، در روز تنگدستی پیش او شرمنده خواهیم شد.»

چه کسانی بر ما حق دارند

و چگونه باید از آنان حقشناسی کنیم؟

کسی که به ما چیزی بیاموزد یا برای رهایی ما از سختی و گرفتاری یاری کند و در راه آسایش ما خدمتی انجام دهد، بر ما حقی دارد. ما وظیفه داریم که هرگز خدمت اینگونه کسان را از یاد نبریم. در برابر نیکی و احسانی که هرکس به ما بکند ما باید خدمت شایسته‌ای انجام دهیم تا حق او را ادا کرده باشیم.

پیامبران و پیشوایان دینی که در راه راهنمایی ما فداکاری بی دریغ کرده‌اند نسبت به ما حق دارند.
ما هم باید از راهنمایی‌های آنان استفاده کنیم و در گسترش و بکار بستن دستورهای آنان بکوشیم.

معلمانی که در راه آموزش و آماده کردن ما برای زندگی زحمت می‌کشند و می‌خواهند ما افرادی دانا و تربیت یافته بار آییم و در جامعه مفید و مؤثر باشیم بر ما حق دارند.

ما باید با احترام به درسهای معلمانی خود توجه کنیم و با پیشرفت در دانش و اخلاق، آنان را از خود خشنود سازیم و همیشه سپاسگزار آنها باشیم.

پدر و مادر که در نگاهداری و پرورش ما همه‌گونه زحمت می‌کشند و وسایل آسایش و پیشرفت ما را فراهم می‌کنند، حق بزرگی بر ما دارند. برماست که برای آنان فرزندی شایسته و نیکوکار باشیم و کاری نکنیم که مایه سرافکنندگی آنان شود.

دانشمندان و نویسندگان و سایر کسانی که در جامعه برای آسایش و سعادت ما کوشش می‌کنند و با نوشتن کتابهای سودمند و نشان دادن راههای درست زندگی به مردم خدمت می‌کنند همگی بر ما حق دارند. ما باید از آنان قدردانی کنیم و نیز بکوشیم تا به سهم خود برای جامعه و برای بشریت فردی مفید باشیم و از هر راهی که ممکن است به مردم خدمت کنیم.

حمایت از حیوانات

یکی از وظایف اخلاقی هر انسانی حمایت از حیوانات است. دین اسلام دربارهٔ حمایت از حیوانات و رعایت حال آنها بسیار سفارش کرده است.

حضرت پیغمبر فرموده است:

کسی که بر حیوانی سوار می‌شود یا بر آن بار می‌کشد، وظیفه دارد از او تیمارداری کند، هر وقت گرسنه شد علوفهٔ آن را بدهد و هرگاه تشنه شد سیرابش سازد و بیش از توانایی حیوان بر او بار نکند و بیش از اندازه او را به راه رفتن وادار نکند و هیچگاه گزند و آسیبی به او نرساند.

می‌گویند: امام چهارم بیست بار برای زیارت خانهٔ خدا به مکه رفت و هرگز حیوانی را که در این سفرها بر آن سوار بود تازیانه نزد ما باید به همهٔ حیوانات دلسوز و مهربان باشیم. مرغان خانگی را بموقع آب و دانه دهیم، و آنها را در جای مناسبی نگه داریم. به دیگر حیوانات نیز تا می‌توانیم کمک کنیم و حتی دربارهٔ حیواناتی که وجود آنها برای ما خطرناک است بیرحم و سنگدل نباشیم.

پیدا است که مهربانی و دلسوزی به حیوانات در زندگی انسانها و در روابط آنها با یکدیگر نیز تأثیر بسزا دارد. آن که از آزردن حیوانات می‌پرهیزد و به آنها دلسوزی و مهربانی می‌کند، هرگز به هم نوع خود آزار نمی‌رساند و در روابط خود با دیگران خشونت روا نمی‌دارد.

پاکی - پاکیزگی

این جمله از پیغمبر اسلام نقل شده است:

الله الله
الله الله
الله الله
الله الله

«النَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ» .

الله الله
الله الله
الله الله
الله الله

یعنی «پاکیزگی از ایمان است».

رعایت نظافت و پاکیزگی در همه امور زندگی لازم است. در خوردنیها، آشامیدنیها، لباس، خانه و وسایل آن، اسباب کار و تحصیل....
از دستوره‌های اسلامی است که:

دستهای خود را قبل از غذا و پس از آن بشوییم.

از مسواک کردن دندان و شانه کردن موهای خود غفلت نکنیم.

ظرف آب و غذا را پاکیزه نگاه داریم، و از ظرف لب شکسته و کثیف استفاده نکنیم.

هر چند روز يك بار تمام بدن خود را شست و شو کنیم.

از آب یا غذای آلوده استفاده نکنیم.

زیر درختان سایه‌دار را که مردم از میوه و سایه آن استفاده می‌کنند
آلوده نکنیم.

جاهای عمومی مانند مدرسه، مسجد، بیمارستان، راهرو، کوچه و بازار
را پاکیزه نگاه داریم و از انداختن آب دهان و بینی و هر گونه آلودگی
دیگر پرهیز کنیم.

از آلوده کردن آب چاه و چشمه و هر آبی که مردم از آن برای آشامیدن
و شست و شو استفاده می‌کنند خودداری کنیم.

اگر ما این دستورها را خوب اجرا کنیم، همیشه پاکیزه و تمیز خواهیم
بود. کسی که پاکیزه و تمیز باشد، از نظافت خود بهره‌مند می‌شود و
به سلامت خود کمک می‌کند و مردم او را دوست خواهند داشت، خداوند
هم از او که به دستورهای دینی عمل کرده است خشنود خواهد بود.

معشرت با نیکان

بیشتر مردم بسیاری از کارها را از همنشینان خود فرا می‌گیرند و در اخلاق و رفتار خود با آنان هم‌رنگ می‌شوند.

یکی از آداب زندگی که دین اسلام به آن فوق‌العاده اهمیت داده، همنشینی با اشخاص نیکو کار و شایسته است.

پیشوایان دینی ما دستور داده‌اند با سه گروه همنشینی نکنیم:

۱- آنان که کارهای بد خود را برای دیگران بازگو می‌کنند و می‌خواهند دیگران را نیز به اینگونه کارها وادارند.

۲- کسانی که بر اثر نادانی ممکن است خیرخواهیشان به زیان انسان تمام شود.

۳- کسانی که دروغ می‌گویند و می‌خواهند میان مردم دشمنی و بدبینی وجود داشته باشد و از این رو کارهایی می‌کنند که دوستان از یکدیگر جدا شوند.



معاشرت کردن با اشخاص درسخوان و با تربیت و درستکار سبب می شود که رفته رفته اخلاق و رفتار نیک این افراد در ما هم تأثیر کند. چه بسا همنشینان خوب که باعث خوشبختی دوستشان شده و او را به راهی سودمند واداشته اند و چه بسا همنشینان بدی که رسوایی و بدبختی برای دوستانشان فراهم کرده اند. بنابراین همیشه باید بکوشیم که در رفت و آمدها، مسافرتها، درس خواندن، بازی و تفریح، گردش و مهمانی با اشخاصی سروکار داشته باشیم که از خوبی اخلاق و رفتارشان آگاهیم. زیرا در این صورت مطمئن خواهیم بود که همنشینی با این افراد نه تنها هیچگونه فساد و ضرری ببار نمی آورد، بلکه از فکر و ادب این همنشینان خوب بهره ها خواهیم برد.

همنشین تو از تو به باید
تا توراعقل و دین بیفزاید

عقیده مسلمان

آنچه يك مسلمان بدان عقیده دارد و در رفتار خود به آن پای بند است عبارت است از:

این که خدا یکتاست و شریکی ندارد، زنده، دانا، توانا، شنوا و بیناست و همیشه بوده و خواهد بود.

این که خدا را با چشم نمی توان دید. جسم نیست، جا و مکان ندارد، نمی خوابد، بیمار یا خسته و ناتوان نمی شود، فرزندی ندارد و از پدر و مادری متولد نشده است. و از همه بدیها و نقصها به دور است.

این که خدا به هیچ چیز و هیچکس نیازمند نیست، اما هر چه هست به او نیازمند است.

این که خدا آفریننده و نگاهدارنده جهان است و هیچ چیز را بیموده نیافریده و در سراسر جهان نظم کامل و دقیقی حکم فرماست.

این که خدا عادل و کارهایش از روی عدالت و درستی است و نسبت به همه مهربان است. مردم را به راه راست راهنمایی کرده است. هیچکس را به کار بد وادار نمی کند و برای هیچکس بدی نمی خواهد. گمراهان

از روی اختیار خود با انجام دادن کارهای ناشایست سزاوار بدبختی و عذاب می‌شوند. خدا عمل کسی را از بین نمی‌برد و پاداش همه را به اندازه می‌دهد.

يك مسلمان به همه پیغمبران ایمان دارد و آنان را راهنمایان خیرخواه جامعه می‌داند که از طرف خداوند برگزیده شده‌اند تا مردم را به راه راست هدایت کنند. حضرت محمد (ص) را آخرین پیغمبر می‌داند و عقیده دارد که پس از او پیغمبری نخواهد آمد. خدا او را برانگیخت تا همه بشر را از هر نژاد و ملت و در هر سرزمینی که هستند راهنمایی کند.

يك مسلمان از دستورهای خدا پیروی می‌کند و در تمام کارهای خود آنها را بکار می‌بندد. به روز قیامت و بهشت و دوزخ ایمان دارد و عقیده دارد که در آن روز مردم بار دیگر زنده می‌شوند تا پاداش و کیفر کار خود را ببینند. به امامان که جانشینان پیغمبرند ایمان دارد و آنان را راهنمایان راستین خود در زندگی می‌داند.

سخنان آموزنده

پیغمبر اسلام (ص) فرمود:

چه خوشبخت است کسی که اخلاقش نیکوست؛

دلش پاک و باصفاست؛

در کارهای خود قصد خودنمایی ندارد؛

اگر بیش از احتیاج خود ثروتی دارد آن را در راه خدمت به دیگران
صرف می‌کند؛

زبان خود را از گفتن سخنان ناروا نگاه می‌دارد؛

و با مردم از روی عدل و انصاف رفتار می‌کند.

همچنین فرمود:

چه خوشبخت است کسی که به عیبجویی از مردم نمی‌پردازد؛

همیشه در فکر آن است که عیبهای خود را بر طرف سازد؛

به علم خود عمل می کند و کارهای خوبی که آموخته است انجام می دهد،
و از پر حرفی دوری می کند؛

آزار او به هیچکس نمی رسد.

حضرت امام محمد باقر فرمود:

چه بد مردمی هستند کسانی که در حضور
اشخاص از ایشان تعریف می کنند، اما
در غیاب، زبان به عیبجویی آنان می گشایند؛

اگر مسلمانی گرفتار رنج و یا پیشامد ناگواری شد، با او همراهی
نمی کنند؛

اگر برادر دینی آنان در کار خود پیشرفت کرد، بر او حسادت می کنند
و از پیشرفت او نگران می شوند.

چند اندرز از پیغمبر اسلام

* شخصی نزد پیغمبر آمد و از آن حضرت خواهش کرد تا او را نصیحت کند. حضرت فرمود:

«با مردم گشاده‌رو و خوشرفتار باش.»

* پیش خدا و پیغمبر هیچ کاری بهتر از این نیست که انسان به خدا ایمان داشته باشد، و با بندگان خدا از روی خیرخواهی و خوشرویی رفتار کند.



* از پیغمبر اکرم پرسیدند: «خدا چه کسی را بیشتر از همه دوست دارد؟»

فرمود:

«هرکس بیش از همه به مردم نفع برساند و مردم از کارهای خوب او بیشتر بهره‌مند شوند.»

* همچنین فرمود: «شخص بزرگوار کسی است که در برابر خوبیهایی که به دیگران می‌کند، بر آنان منتی نگذارد.»

* آن کس که به عهد و پیمانش پای‌بند نیست، از دین بهره‌ای ندارد.

* کسی که امانت را رعایت نکند ایمان ندارد.

معاد

ما اعتقاد داریم که پس از آنکه از این دنیا رفتیم بار دیگر زنده می شویم و به نتیجه کارهای نیک و بد خود می رسیم. نباید تعجب کرد که چگونه

ممکن است انسان پس از مرگ دوباره زنده شود، زیرا این امر به اراده و خواست خدا انجام می گیرد و خداوند بر هر چیز قادر و تواناست.

علاوه بر این نظیر و نمونه های آن در این جهان، فراوان به چشم می خورد. ما همگی در فصل بهار می بینیم که زمین مرده و درختان افسرده در هوای

معتدل بهاری و وزش نسیم و ریزش باران زنده و شکوفان می شوند. دانه هایی که در زمین پاشیده شده است زندگی نباتی خود را آغاز می کنند

و با رشد و نمو که پیدا کرده اند سر از خاک بیرون می آورند. همه رویدنیها نشاط و طراوت خود را باز می یابند و هر یک به اندازه

استعداد و شرایط خاص خود بارور می شوند. مردگان نیز روز قیامت به فرمان خدا زنده می شوند و به عاقبت اعمال و نتیجه کارهای خود

می رسند. همانگونه که بعضی از زمینها در فصل بهار به صورت سرزمینی

خرم و نشاط انگیز و پر از گل و میوه در می آید، مردم خداپرست

و پاکدل هم چون در این جهان با خوشنامی و نیکوکاری زندگی کرده اند، هنگامی که در روز قیامت زنده شدند، شادمان و سربلندند.

و چون در این دنیا کردار و رفتار نیک داشته اند در آن هنگام از نعمتهای بی پایان خدا بهره مند می شوند و به بهشت جاودان می روند. اما آنان

که در این جهان دستورهای خدا را بکار نبسته اند و به کارهای ناشایست دست زده اند، در آتش برافروخته اعمال خود می سوزند و پشیمان

می شوند که چرا در دنیا به دستورهای دینی عمل نکرده اند و عبادت خدا و خدمت به خلق را وظیفه خود ندانسته اند. ولی دیگر دیر شده است

و پشیمانی سودی ندارد.

امامت

پیغمبر ما

که آخرین پیامبران بود در دوران پیامبری فداکاریهای بسیار کرد تا وظیفه خود را بخوبی انجام دهد و برای اینکه مردم پس از او دوباره به گمراهی برنگردند و دین خدا را تغییر ندهند، جانشینانی برای خود معرفی کرد.

امامان، یا جانشینان پیغمبر،

شایسته‌ترین افراد مردم برای راهنمایی بودند و از جهت دانش و تقوی و انجام دادن کارهای خیر و شایسته و کوشش در راه خدا کسی به پایه آنان نمی‌رسید. از این رو پیروی از راهنماییهای ایشان برای همه مسلمانان واجب است.

امامان ما

در راه راهنمایی مردم و حفظ و حمایت از اسلام کوشش فراوان کردند و در این راه فداکاری و جانبازی نمودند.

پیشوایان دینی ما

از حکومت ستمگرانی که برخلاف حق و عدالت قدم

برمی داشتند راضی نبودند بدین جهت پیوسته از طرف آنان در سختی و ناراحتی بسر می بردند و سرانجام در راه همین مبارزه جان خود را از دست دادند.

امامان ما

در دانش دین برتر از دیگران بودند و همچون پیامبران، «معصوم» یعنی از خطا و گناه به دور بودند.

پیشوایان ما

با مردم به مهربانی و محبت رفتار می کردند و دوست و دشمن از اخلاق نیک و صفا و صمیمیت آنان در شگفت بودند.

امامان ما

در احسان به مردم و دستگیری از نیازمندان زبانزد همه بودند. آری، اخلاق و رفتار امامان، نمونه عالی دستورهای اسلام است.

امامان ما

دوازده نفرند که در سالهای پیش تاریخچه زندگی هفت تن از آنان را خواندیم و در این سال شرح حال امام هشتم تا دوازدهم را می خوانیم.

امام هشتم

نام امام هشتم، علی و معروف به حضرت «رضا» است.

امام هشتم با مردم بسیار خوشرفتاری می‌کرد، تا آنجا که دوست و دشمن از او راضی بودند و هرگز از او رنجیده خاطر نمی‌شدند. از این رو «رضا» لقب یافت.

حضرت رضا (ع) با زیردستان مهربان بود و با خدمتگزاران خوشرفتاری می‌کرد و هر کس از او کمکی می‌خواست تا می‌توانست در انجام دادن آن اقدام می‌کرد.

زمان آن حضرت دوره پیشرفت علمی مسلمانان بود و بسیار اتفاق می‌افتاد که دانشمندان بزرگ درباره مسائل مهم علمی و دینی با آن حضرت گفتگو می‌کردند و استفاده فراوان می‌بردند. از این رو، حضرت امام رضا به «عالم آل محمد» معروف شد.

امام رضا (ع) در سال ۱۴۸ هجری در مدینه بدنیا آمد و قسمت عمده زندگانی خود را در آنجا گذراند. وقتی که مأمون خلیفه عباسی روی کار آمد و مرکز حکومت خود را در ناحیه طوس خراسان قرار داد، از حضرت رضا با اصرار دعوت کرد تا به طوس برود و در ظاهر به آن

حضرت پیشنهاد کرد که حکومت را بپذیرد. اما امام هشتم پیشنهاد او را رد کرد و سرانجام با اصرار مأمون ولایتعهدی را پذیرفت. اما چون نمیخواست با مأمون همکاری کند در کارهای حکومت مداخله‌ای نمی‌فرمود و به راهنمایی مردم و خدمت به آنان و تشکیل مجالس علمی می‌پرداخت. و چندان مورد توجه مردم قرار گرفت که دستگاه خلافت مأمون بر او رشک برد و مقدمات شهادت آن حضرت را فراهم آورد. در سال ۲۰۳ هجری مسموم شد و در آنجا که اکنون مشهد نام دارد مدفون گردید.

از سخنان امام هشتم است که خداوند سه چیز را دشمن می‌دارد:

نخست اینکه آدمی به جای آنکه در پی شناختن حقیقت باشد تا بدان عمل کند، وقت خود را به بحث و گفتگوهای بیفایده بگذراند.

دوم آنکه ثروت خود را با خرجهای بیمه‌ده بر باد دهد.

سوم آنکه از این و آن، بسیار خواهش کند.

همچنین آن حضرت فرمود:

«دوست هرکس عقل و دانش و دشمنش نادانی اوست.»

امام نهم

امام نهم شیعیان حضرت امام محمد تقی (ع) است. او بسیار پرهیزکار بود، از این رو به آن حضرت «تقی» می‌گفتند. و چون بخشش فراوان داشت به «امام جواد» هم معروف شده است.

امام نهم در سال ۱۹۵ هجری در مدینه بدنیا آمد و در ۱۶ سالگی به اصرار مأمون برای مدت کوتاهی به طوس رفت و در آنجا مورد احترام فراوان مردم قرار گرفت. مأمون دختر خویش را به عقد او در آورد و سپس آن حضرت به مدینه باز گشت.

هنگامی که معتصم خلیفه عباسی بر سر کار آمد از پیشرفت فراوان امام نهم هراسان شد و آن حضرت را به بغداد فراخواند. در حدود یک سال امام نهم در بغداد تحت نظر بود و سرانجام در سال ۲۱۸ هجری شهید شد و در شهر کاظمین که در نزدیکی بغداد واقع است، مدفون گردید. از سخنان امام نهم است که

عزت شخص با ایمان به این است که کار خود را، خودش انجام دهد و دست نیاز به سوی مردم دراز نکند.

از همنشینی بدکار دوری کنید، چون او مانند شمشیر کشیده‌ای است که ظاهری آراسته دارد و نتیجه این همنشینی بسیار ناپسند و خطرناک است.

بالاترین عیب آدمی آن است که به عیبجویی دیگران پردازد و بدیهای مردم را بازگو کند و از عیبهای خود بیخبر باشد.

امام دهم

حضرت امام علی النقی امام دهم شیعیان و فرزند امام جواد است. اسم آن حضرت علی است و او را «نقی» یعنی پاک سرشت و «هادی» یعنی راهنما نیز می گویند.

خلیفه همزمان آن حضرت «متوکل» عباسی بود.

متوکل از ستمکارترین خلفای بنی عباس بود و وقتی شنید مردم امام علی النقی را پیشوای خود می دانند با اصرار آن حضرت را به شهر «سامرا» مرکز حکومت خود آورد.

متوکل چون نمی خواست که مردم با آن حضرت آمد و شد کنند تا از علم و راهنمایی او بهره مند شوند، اجازه نمی داد که امام مجلس درس تشکیل دهد و مردم را راهنمایی کند.

مدت عمر آن حضرت چهل و دو سال بود که بیشتر آن تحت فشار حکومت عباسی گذشت. وی در سال ۲۱۲ هجری بدنیا آمد و در سال ۲۵۴ هجری در سامرا شهید شد و در آن شهر مدفون گردید.

از سخنان امام دهم است که

برای بدست آوردن علم و دانش کوشش کنید.

کارهایی را که خدا حرام کرده است انجام ندهید تا در روز حساب پشیمان و گرفتار نشوید.

اگر در زندگی به شما رنج و ناراحتی رسید بیتابی نکنید.

آن که همیشه از خود تعریف می کند دشمنانش زیاد می شوند.

امام یازدهم

امام یازدهم ما حضرت امام حسن عسکری است.

آن حضرت را در شهر سامرا، در جایی منزل داده بودند که مرکز سپاهیان و لشکریان بود، تا زیر نظر باشد و مردم نتوانند آزادانه به دیدنش بروند و مطالب دینی را از او فراگیرند. و چون آن محل به نام «عسکر» به معنای لشکر معروف بود، آن حضرت را «عسکری» می نامند. امام حسن عسکری مدت شش سال امامت خود را تحت نظر مأموران خلیفه گذرانید. همیشه برای نگهبانی، در اطراف خانه او نگهبانانی تندخو و بدرفتار می گذاشتند. اما همین نگهبانان تندخو وقتی که از اخلاق و رفتار خوب آن حضرت آگاهی می یافتند، به او علاقه مند می شدند و در زمره نیکان و شایستگان در می آمدند.

امام یازدهم در سال ۲۳۲ هجری در مدینه بدنیا آمد و پس از ۲۸ سال زندگی در سال ۲۶۰ هجری شهید شد. قبر او در سامرا کنار قبر امام دهم است.

از گفتار امام یازدهم است که

در حضور کسی که گرفتار مصیبتی شده و غمگین است، شادمانی نکنید. شخص نادان اول سخن می گوید، بعد فکر می کند که آیا سخنش خوب بوده است یا نه. اما شخص دانا اول درباره سخن خود فکر می کند سپس آن را بر زبان می آورد.

بخشش بی مورد و بیش از اندازه پسندیده نیست.

امام دوازدهم

در سال ۲۵۵ هجری از امام یازدهم، حضرت امام حسن عسکری، فرزندى در شهر سامرا بدنيا آمد که با پیغمبر اسلام همنام بود و او را «حضرت حجت» و «مهدى» و «امام قائم» نیز می‌گویند.

پیغمبر اسلام فرمود: «نهمین فرزند از نسل امام حسین (ع) کسی است که همنام من است و به وسیله او حکومت ستمگران و بدکاران جهان از بین خواهد رفت و در زمین عدل و آسایش عمومی برقرار خواهد شد.»

امامان ما نیز چنین خبر داده‌اند که امام دوازدهم فرزند امام حسن عسکری، همان کسی است که دنیا را از ظلم و بیعدالتی نجات می‌دهد. ما شیعیان بنا به گفته پیغمبر و امامان معتقدیم که امام دوازدهم که او را امام زمان می‌گوییم زنده و از دیدگان مردم پنهان است و در انتظار ظهور او هستیم.

این، خواسته همه مردم روی زمین است که جهان روزی پر از عدل و امنیت و آسایش عمومی گردد و مردم در برادری و برابری و با مهربانی با یکدیگر زندگی کنند.

هدف تمام پیامبران، مصلحان دنیا، و دینها، بخصوص دین اسلام که دین عدل و مساوات و نظم و کمال است، نیز همین است.

ما در انتظار چنین آینده درخشانی هستیم و همیشه وظیفه خود می‌دانیم که به اندازه توانایی در راه برقراری عدالت و برابری کوشش کنیم.

اصول و فروع دین اسلام

مسلمان کسی است که

خدا را به یگانگی بشناسد (توحید).
محمد بن عبدالله (ص) را پیامبر خود بداند
و به پیامبران دیگر نیز ایمان داشته باشد
و احترام گذارد (نبوت).
و به جهان دیگر و پاداش و کیفر اعمال
عقیده داشته باشد (معاد).

توحید، نبوت و معاد را «اصول دین» اسلام می گویند.
ماشیهیان علاوه بر این سه اصل به عدل خدا و امامت دوازده تن جانشینان
پیغمبر نیز عقیده داریم.
عدل و امامت را اصول مذهب شیعه می نامند که با سه اصل دیگر پنج
اصل می شوند.



در اسلام هیچگاه ایمان از عمل و رفتار شایسته جدا نیست. از این رو
هر فرد مسلمان علاوه بر اینکه عقیده به اصول دین دارد، باید کارهای
نیکی را که از طرف خداوند معین شده است بشناسد و بدانها عمل کند
تا از اثر نیکوی آن در دنیا و آخرت بهره مند گردد.
این کارهای نیک «فروع دین» نام دارند.

بر اثر عمل کردن به فروع دین مردم از آلودگیها و ناپاکیها دور می شوند و دوست و خیرخواه یکدیگر می شوند، به کار خیر عادت می کنند و وظیفه انسانی و دینداری خود را می شناسند.

مطالب مربوط به فروع دین چند قسمت است:

يك قسمت برای سپاسگزاری از نعمتهای خدا و خدمت به مردم است، که آنها را «عبادات» می گویند.

معروفترین عبادتها عبارتند از:

- | | |
|----------|------------------|
| ۱- نماز، | ۵- حج، |
| ۲- روزه، | ۶- جهاد، |
| ۳- زکات، | ۷- امر به معروف، |
| ۴- خمس، | ۸- نهی از منکر. |

عبادت در صورتی صحیح و مورد قبول است که تنها برای رضای خدا انجام شود. بنابراین اگر کسی برای خودنمایی نماز بخواند؛ یا منظورش از رفتن به حج تنها گردش و تجارت باشد، وظیفه خود را انجام نداده است.

کارهای خوب دیگر از قبیل درس خواندن، از بیماران احوالپرسی و

مراقبت کردن، به دیگران دانش آموختن و هرگونه خدمت به مردم نیز از عبادات محسوب می‌شوند.



قسمت دیگر از فروع دین دستورهایی است که درباره روابط مردم با یکدیگر است و باید در قراردادها و کسب و تجارت آنها را رعایت کنند تا بین آنان اختلاف و دشمنی پیدا نشود. این قسمت از فروع دین را «معاملات» یا قراردادها می‌گویند و در آنها رضایت اشخاص شرط است. مانند خرید و فروش، اجاره، شریک شدن و غیر آنها.



بخش دیگر، دستورهایی است که برای حفظ نظم در جامعه تعیین شده است. مانند مقررات دادرسی و رسیدگی به اختلافات مردم، مجازات مجرمان و ارث.

این قسمت را «احکام» می‌گویند.

پس فروع دین شامل: عبادات، معاملات یا قراردادها، و احکام می‌باشد.^۱

۱- برای آشنایی با احکام فروع دین باید از رساله‌های مجتهدان بزرگ استفاده کرد.

تقلید

مسائل دینی خود را
از آن کس
که عالمتر و عادلتر است
فرامی گیریم

اگر کسی بخواهد مدرسه، بیمارستان، کارخانه یا منزلی بسازد و خود مهندس ساختمان نباشد، برای تهیه نقشه آن به چه کسی مراجعه می کند؟ - البته به مهندس.

اگر کسی بیماری دارد و خود پزشک متخصص نیست، برای درمان این بیمار از چه کسی کمک می خواهد؟ - از پزشک.

حال که برای نقشه ساختمان به مهندس و برای درمان بیمار به پزشک و برای دوختن لباس به خیاط مراجعه می کنیم، برای فراگرفتن مسائل دینی هم به راهنمایان دینی باید مراجعه کنیم.

راهنمایان دینی را «مجتهد» می نامند.

«مجتهد» کسی است که در بدست آوردن مسائل و دستورهای دینی از

روی دلایل اصلی دین مهارت کامل داشته باشد و اطلاعات او در مطالب و امور دینی به اندازه‌ای باشد که بتواند دیگران را راهنمایی کند.

مسائلی را که انسان معمولاً بدان احتیاج دارد باید یاد بگیرد و برای یاد گرفتن آنها یا باید خودمان به اندازه لازم در بدست آوردن مسائل دینی مهارت داشته باشیم یا از مجتهد عادل «تقلید» کنیم، یعنی در اعمال دینی خود از او راهنمایی بخواهیم و خودسرانه عمل نکنیم.

«مرجع تقلید» کسی است که از بین مجتهدان عادل بیش از همه در فهم مسائل دین مهارت و ورزیدگی داشته باشد و برای بیان حق و راهنمایی خلق بیش از دیگران از خود شایستگی نشان دهد.

معمولاً با تشخیص علمای دینی و توجه عموم مردم، مرجع تقلید تعیین می‌شود.

اخلاق و رفتار نمازگزار باید چگونه باشد؟

نماز از مهمترین برنامه‌های عملی اسلام است که اگر درست انجام شود آدمی را از کارهای زشت باز می‌دارد.

نمازگزار بیش از هر چیز کوشش می‌کند که خود را از پلیدی و ناپاکی دور نگه دارد.

نمازگزار دزدی نمی‌کند. دروغ نمی‌گوید. و هر کاری را که بعهده بگیرد خوب انجام می‌دهد.

نمازگزار سعی می‌کند مرتب و وقت‌شناس باشد و هرکاری را در موقع مناسب انجام دهد.

او خودش را با همه مسلمانان جهان برادر می‌داند و هنگام نماز خیر و سعادت خود و دیگران را از خدا می‌خواهد.

نمازگزار دعا می‌کند که همیشه در راه راست ثابت قدم بماند.

او خدا را نسبت به همه مهربان می‌داند. از این رو می‌کوشد خودش هم با همه آفریده‌های خدا مهربانی کند و هیچکس از دست و زبان او آزرده و ناراحت نشود.

به همین جهت است که نماز را پایه دینداری دانسته‌اند.
پیغمبر اسلام فرمود:

الله الله
الله الله
الله الله
الله الله
الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ .
الله الله
الله الله
الله الله

یعنی نماز پایه و اساس دین است.

نماز جماعت

یکی از دستوره‌های مهم اسلامی آن است که مسلمانان نمازهای شبانه-روزی خود را با هم بخوانند. نمازی را که دو نفر یا بیشتر با هم می‌خوانند «نماز جماعت» می‌گویند.

در نماز جماعت معمولاً يك نفر جلو می‌ایستد و دیگران در صف‌های مرتبی پشت سر او قرار می‌گیرند. ابتدا او نماز را شروع می‌کند و دیگران از او در تمام کارهای نماز پیروی می‌کنند.

کسی که نماز را شروع می‌کند «امام جماعت» است.

امام جماعت باید بتواند نماز را کاملاً درست بخواند و با مسائل نماز آشنایی داشته باشد. همچنین باید عادل و درستکار باشد.

«عادل» به کسی می‌گویند که از گناهان و کارهای ناشایست دوری کند، و تمام وظیفه‌های دینی خود را انجام دهد. در اسلام کسی که در امری رهبری و پیشوایی مردم را قبول کرد، باید خود عادل و درستکار باشد. در نماز جماعت حمد و سوره را امام جماعت می‌خواند و دیگران نمی‌خوانند. اما دیگر ذکرهای نماز را همه باید بخوانند.

نماز جماعت بهترین درس همکاری، برادری و یگانگی مسلمانهاست. مردم مسلمانی که در مسجد برای نماز جماعت حاضر می‌شوند از حال یکدیگر باخبر می‌گردند و اگر یکی از آنان گرفتار و یا بیمار شود همگی برای نجات او همکاری می‌کنند و نیز در کارهای اجتماعی با هم مشورت می‌کنند از این رو، ثواب و ارزش نماز جماعت نزد خدا بسیار است.

آنچه از روزه می‌آموزیم

مسلمان باید ماه رمضان را از طلوع سپیده صبح تا هنگام مغرب روزه بگیرد، یعنی از خوردن و آشامیدن و دیگر چیزهایی که روزه را باطل می‌کنند پرهیز کند.

روزه‌دار برای اینکه روزه‌اش مورد قبول خدا قرار گیرد، بیش از هر وقت از انجام دادن کارهای ناروا خودداری می‌کند.

با کسانی که با آنان معاشرت دارد، مخصوصاً با زیردستان، خوشرفتار و مهربانتر است.

آنان که درآمد فراوانی دارند در اثر روزه به فکر بینوایان و گرسنگان می‌افتند و برای نجات آنان از فقر و پریشانی اقدام می‌کنند.

روزه‌دار چون مدتی در برابر میل و اشتیهای خود مقاومت می‌کند، رفته رفته خوددار و با اراده می‌شود و بهتر می‌تواند در برابر هوسهای ناروای خود پایداری کند.

روزه برای سلامت تن نیز بسیار مفید است.

روزه برای دختران و پسرانی که به سن بلوغ رسیده‌اند واجب است. چند دسته از مردم هستند که روزه برای آنان واجب نیست:

۱- بیماران یا کسانی که در اثر روزه بیمار می‌شوند.

۲- پیران، در صورتی که روزه گرفتن باعث ناراحتی

زیاد ایشان می شود.

۳- زنان بارداری که بزودی بچه دار می شوند، در صورتی که بدانند روزه برای خود یا فرزندشان ضرر دارد.

۴- زنانی که فرزند شیرخوار دارند، در صورتی که بدانند روزه گرفتن چنان باعث کم شیری آنان می شود که کودک آنان بیمار یا ضعیف می گردد.

۵- مسافرانی که شغل آنان مسافرت نیست، در صورتی که سفر آنان بیش از ۴۸ کیلومتر (۸ فرسنگ) باشد و کمتر از ده روز در يك محل بمانند.

کسانی که به علتی نمی توانند در ماه رمضان روزه بگیرند، اگر در ماههای بعد رمضان آن علت از بین رفت، روزه می گیرند. در این صورت گفته می شود که آنان روزه خود را قضا کرده اند.

خدا روزه داران را دوست دارد. پیغمبر اسلام درباره روزه فرمود:
روزه گرفتن انسان را از کارهای بد باز می دارد. روزه دار همیشه در حال عبادت است جز اینکه سخنان ناروا گوید یا از دیگران بدگویی کند.

زکات

خدمات مالی يك مسلمان به جامعه

در بین مردم، کسانی هستند که از بدست آوردن غذای کافی و لباس و خانه مناسب محرومند یا از بهداشت کافی برخوردار نیستند و اگر بیمار شوند وسیله درمان در اختیار ندارند. همچنین پاره‌ای از مردم از نعمت سواد و دانش بی‌بهره‌اند و وضع مالی آنها طوری است که نمی‌توانند همه احتیاجات خود را رفع کنند.

در برابر این دسته محروم و کم درآمد، مردمی هستند که ثروت بسیار دارند و از همه وسایل زندگی به اندازه فراوان برخوردارند.

این اختلاف در طرز زندگی باعث می‌شود که میان دو طبقه ثروتمند و محروم بدبینی و دشمنی پیدا شود. به همین جهت، دین اسلام که مسلمانان را برادر و خواهر همدیگر می‌داند، دستور می‌دهد ثروتمندان به مردم فقیر کمک کنند تا اینان نیز به کار مناسب و وسایل لازم برای زندگی دسترسی داشته باشند. یکی از وظایف ثروتمندان آن است که نسبت به ایجاد بیمارستان، مسجد و کارگاه و دیگر اموری که به نفع عموم مردم و خیر و صلاح جامعه است کمک و اقدام کنند. اسلام در این باره دستورهای لازم داده است.

یکی از دستورهای واجب اسلام در این باره «زکات» است.



کسانی که از راههای تولیدی مانند کشاورزی و دامداری محصولی بدست می آورند، یا مالی اندوخته اند اگر به اندازه معینی رسید (حد نصاب) باید در موارد معینی زکات بپردازند.

اگر مردم ثروتمند زکات و دیگر حقوق مالی خود را در راههای صحیح بپردازند، در جامعه فقیر و بینوایی باقی نمی ماند و وسایل عمومی زندگی برای همه فراهم می شود و همه در رفاه و آسایش زندگی می کنند. خداوند در قرآن کریم نماز و زکات را باهم سفارش کرده است.

پیغمبر اسلام فرمود:

«زکات مال خود را بدهید، تا نمازهای شما هم قبول شود.»

آری، در اسلام همیشه عبادت خدا با خدمت به مردم همراه است.

خمس

يك پنجم درآمدهایی
که مورد احتیاج نیست
چگونه باید خرج شود؟

یکی از مهمترین نیازمندیهای هر جامعه گسترش دعوت دینی و تعلیم و تربیت است.

بدین منظور باید مراکزی برای تربیت دانشمندان و مربیان دینی بوجود آید و نیز مراکز تربیتی برای همگان تأسیس شود، کتابخانه‌های عمومی بوجود آید و کتابها و مجلات و روزنامه‌های سودمند چاپ شود.

اسلام همانگونه که به تأمین نیازمندیهای روزانه مردم، مانند غذا و لباس و مسکن، توجه دارد، لازم می‌داند که وسایل تبلیغ دین و اخلاق و تربیت صحیح افراد هم فراهم شود.

از این رو، تمام افراد توانگر را در این زمینه مسئول می‌شناسد و برای آنان وظیفه‌هایی تعیین کرده است. دستور پرداختن «خمس» از جمله دستورهایی واجب اسلامی است که می‌تواند این نیازمندیها را تأمین کند. خمس (يك پنجم) از درآمدهای معینی پرداخت می‌شود. این پول

در راه بهبود زندگی بینوایان، پیشبرد و اجرای دستورهای اسلامی، تأسیس مدارس، بیمارستانها، درمانگاهها، و کارهای لازم و سودمند دیگر با نظر مجتهدان دینی بمصرف می‌رسد.



علاوه بر خمس و زکات، هر فرد مسلمان وظیفه دارد که به اندازه توانایی مالی خود به نیازمندان کمک کند و این حقی است که مستمندان بر توانگران دارند تا آنکه همه مردم از نعمتهای زندگی برخوردار شوند. این نوع کمکها را «صَدَقَه» و «انفاق» می‌گویند.

حج یا کنجره بزرگ اسلامی

اسلام برای آشنا کردن مردم با یکدیگر و ایجاد دوستی و یگانگی در میان آنان برنامه‌های جالب توجهی دارد. مهمترین دستوره‌های اجتماعی اسلام عمل «حج» است.

صدها هزار مسلمان، همه ساله در ماه ذی‌حجه از سراسر جهان در مکه گرد خانه کعبه اجتماع می‌کنند، تا در روزهایی معین مراسم حج را انجام دهند و با یکدیگر آشنا شوند.

بر هر مسلمانی که توانایی مالی و بدنی داشته باشد، واجب است در مدت عمر يك بار اعمال حج را انجام دهد.

در مراسم حج، نمایندگان کشورهای اسلامی درباره آنچه به خیر و سعادت مسلمانان است گفتگو می‌کنند.

همچنین راهنمایان دینی مسلمانان از هر کشور با افکار یکدیگر آشنا می‌شوند و درباره مسائل مورد نیاز مسلمانان جهان باهم گفتگو می‌کنند. اعمال حج در بهبود اخلاق و تربیت مردم بسیار مؤثر است و آنان را به یکرنگی و محبت عادت می‌دهد و از آزار رسانیدن و دشمنی کردن باز می‌دارد.



یکی از شاگردان امام جعفر صادق (ع) از آن حضرت پرسید:

«فایده حج چیست؟»

امام در جواب فرمود:

«خدا آدمی را آفرید و دستورهایی که در بهبود زندگی او از جهت دین و دنیا مفید بود برای او معین کرد. از جمله دستور داد افراد مسلمان از شرق و غرب جهان در يك زمان به دور هم جمع شوند، تا یکدیگر را از نزدیک بشناسند، به زندگی و امور بازرگانی و اقتصادی خود سروسامانی دهند، دستورهای اسلام را فرا گیرند و از تاریخ دین و پیغمبر خود باخبر شوند. اگر مردم تنها شهر و محل خود را بشناسند و جاهای دیگر برای آنان ناشناس بماند، از آنچه برای پیشرفت زندگی لازم است بی بهره خواهند ماند.»

جهاد، یا کوشش در راه نجات همנוعان و گسترش اسلام

یکی از وظایف دینی هر مسلمان آن است که در راه پیشرفت اسلام بکوشد و در این راه از هیچ خدمتی حتی فداکاری و جانبازی روگردان نباشد. فداکاریهایی که مسلمانان برای رضای خدا در راه نجات همنوعان خویش از ظلم و بیعدالتی و نادانی و گمراهی می‌کنند «جهاد» نام دارد. هدف جهاد اسلامی نجات دادن مردم ستمدیده از زیر بار ستمگران و مبارزه با ظلم و بی‌ایمانی است، خواه در بین جامعه مسلمان و خواه در خارج آن. پیغمبر اسلام فرمود: جهاد کنید تا عزت و بزرگواری را برای فرزندان خویش به یادگار بگذارید.

در اسلام سفارش زیادی شده است که جوانان را به امور نظامی، از جمله تیراندازی و سواری آشنا کنید، تا افراد مسلمان همیشه آماده جلوگیری از حمله دشمن باشند.

دفاع بر هر مسلمانی از زن و مرد و پیر و جوان واجب است. همه باید هنگام حمله دشمن برای فداکاری آماده باشند و از جان و مال و دین و سرزمین و سایر حقوق خود دفاع کنند.

مردمی که در برابر دشمنان خود آماده دفاع و جانبازی نباشند با پستی و خواری زندگی خواهند کرد.

مردم مسلمان در هر کشوری که زندگی می‌کنند با یکدیگر برادر و متحد هستند و اگر دشمن به یک فرد یا یک ملت مسلمان حمله کرد همه وظیفه دارند دشمن را دفع کنند و در راه عظمت اسلام و ملل اسلامی بکوشند.

پاسداری همگانی یا امر به معروف و نهی از منکر

اگر ببینیم مردمی تشنه هستند و آب ندارند بیاشامند، یا از آبهای کثیف و آلوده استفاده می‌کنند و بدانیم در نزدیکی آنان چشمه‌ای صاف و گوارا جریان دارد، چه وظیفه‌ای داریم؟

البته از راه خیرخواهی آن چشمه را به آنان نشان می‌دهیم تا بروند و از آب پاک آن استفاده کنند.

همچنین اگر ببینیم کودکانی بینوا در محلّ کثیف و نامناسبی زندگی می‌کنند و از غذا و هوای آلوده استفاده می‌کنند و در نتیجه همه ناتوان و ضعیف شده‌اند، دلمان به حال آنان می‌سوزد و می‌خواهیم آنان را از آن محیط کثیف نجات دهیم تا از هوا و غذای سالم استفاده کنند و نیرومند و شاداب شوند.



حالا که چنین است، اگر در محلّی که زندگی می‌کنیم ببینیم يك دسته از مردم از کارهای خوب و شایسته بیخبرند و راه صحیح زندگی را نمی‌دانند، وظیفه ما که مسلمان هستیم چیست؟

آیا نباید از آنان بخواهیم تا همه خوب باشند و کارهای خوب را بشناسند و به آنها عمل کنند؟

حتماً لازم است به هر اندازه که می‌توانیم آنان را به وظیفه‌شناسی فرا خوانیم و به کارهای نیک و اदार کنیم. این عمل ما را «امر به معروف» یعنی واداشتن مردم به کارهای نیک می‌گویند.

هر مسلمانی وظیفه دارد کارهای نیک را بشناسد و دیگران را به شناختن و انجام دادن آنها تشویق کند.

همچنین اگر دیدیم جمعی کارهای زشت می‌کنند، نباید ساکت بمانیم و تماشاگر باشیم. باید آن جمع را متوجه سازیم که دیگر به کارهای زشت دست نزنند. گناهکار و بدعمل را باید تا آنجا که از دستمان ساخته است بیدار و متوجه کنیم تا از راههای ناشایست نجات یابند. این کار را «نهی از منکر» گویند.

پیغمبر اسلام فرمود:

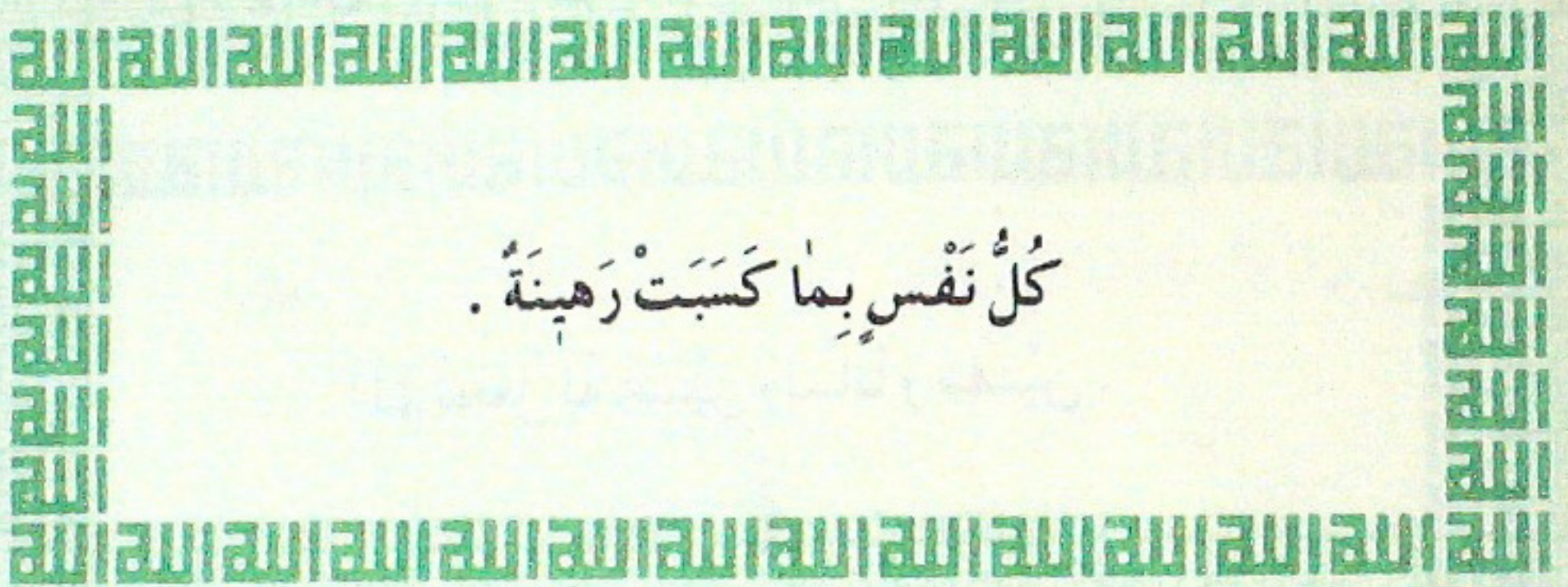
«پیروان من در صورتی در خوشبختی بسر خواهند برد که مردم را به خوبیها دعوت کنند و بدکاران را از بدیها باز دارند و خود را مسئول کارهای اجتماعی بشناسند. و اگر چنین نکردند به سختی و گرفتاری خواهند افتاد و جامعه آنها آلوده خواهد شد.»
و نیز فرمود: «مقام کسی نزد خدا از همه بالاتر است که در راه پند دادن مردم بیش از همه کوشش کند.»

امام جعفر صادق (ع) فرمود:

«کسی که ببیند دیگری به کار زشتی آلوده

شده است و او را از آن کار باز ندارد، به او خیانت کرده است.»

قرآن بخوانیم



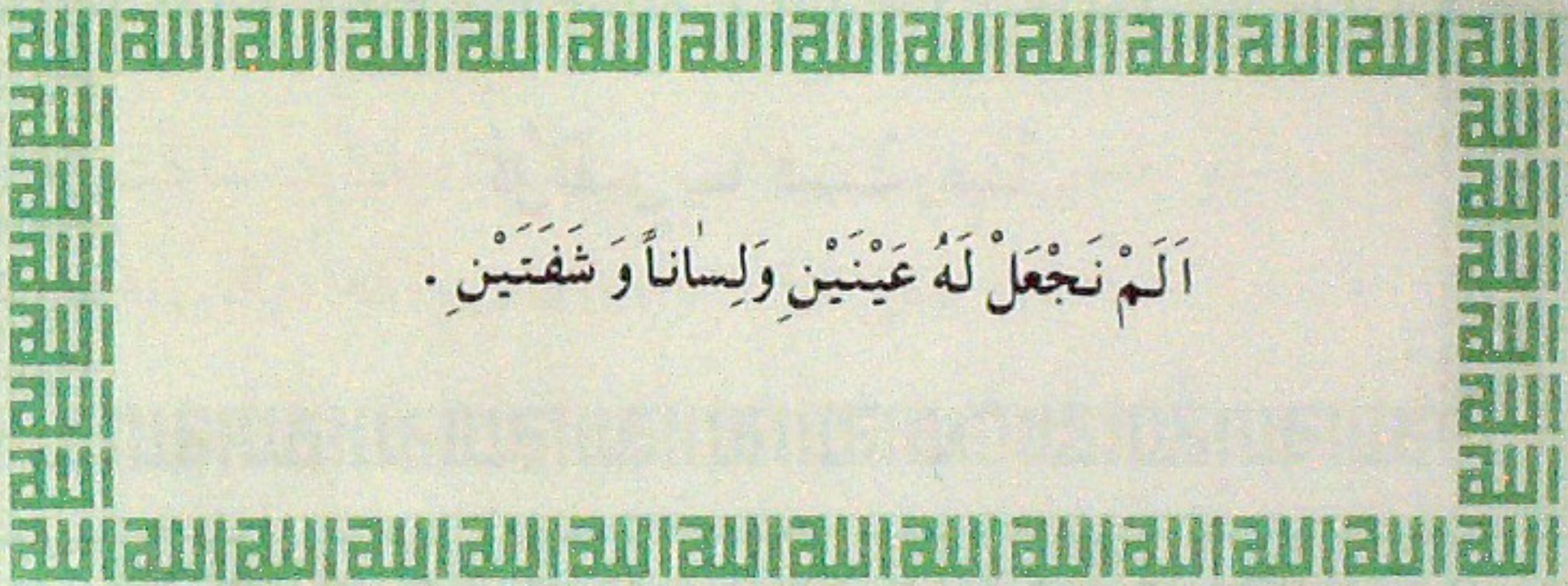
كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ .

هر کس در گرو کارهایی است که خود کرده است.

از این آیه می آموزیم که: هر کس در برابر کارهای خود مسئول است و نتیجه عمل زشتش گریبانگیر او خواهد بود. بعضی از مردم عادت دارند که وقتی در کاری شکست خوردند، یا کار ناپسندی انجام دادند، دیگران را گناهکار معرفی کنند. آنان بدین وسیله می خواهند خود را بی تقصیر نشان دهند. این اشتباه است. خدا به هر کس توانایی و فهم و هوش داده است. باید بخوبی درباره کارهایی که می خواهد انجام دهد و سخنانی که می خواهد بگوید بیندیشد. ما باید خود را نسبت به آنچه می کنیم مسئول بشناسیم. بکوشیم تا کار نیک انجام دهیم و خدا را از خود خشنود گردانیم و پیش مردم سر بلند باشیم و بدانیم که رفتار و گفتار ما شخصیت ما را نشان می دهد.

قرآن بخوانیم

از نعمتهایی که خدا به ما داده است خوب استفاده کنیم



أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ .

آیا برای آدمی دو چشم و یک زبان و دو لب قرار ندادیم؟!

از بهترین راههای خداشناسی آن است که آدمی در ساختمان بدن خویش دقت کند، تا به سازنده توانای آن پی ببرد. خدا را بشناسد و شکر نعمتهای او را بجای آورد. آری، هر که خود را بشناسد، خدای خود را خواهد شناخت.

در آیه بالا خدا به ما یادآوری می فرماید که توجه کنیم چگونه خدا به ما دو چشم بینا داده است تا با آنها ببینیم. این دو چشم با پلك و مژه های زیبا پوشیده شده اند و با آنکه بسیار کوچکند، می توانیم با آنها چیزهای بزرگ و کوچک را خوب ببینیم.

خدا به ما زبان داده است تا با آن سخن بگوییم.

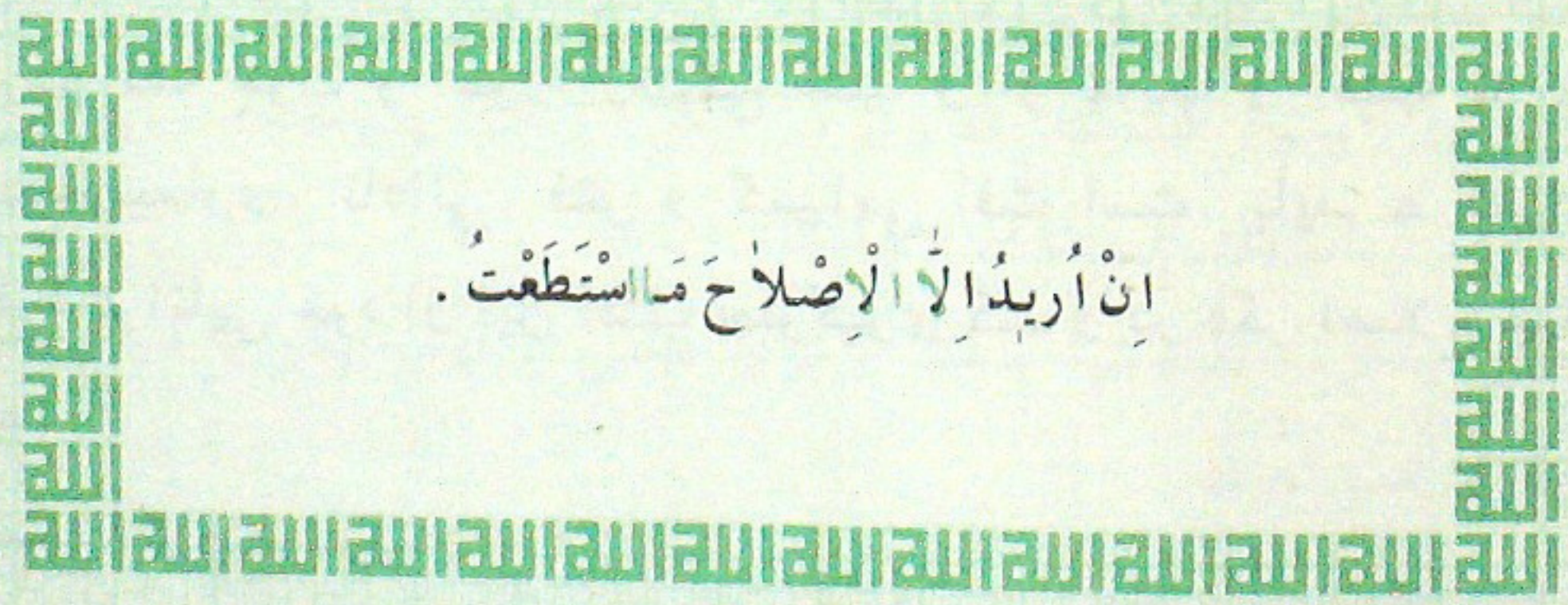
دولب داده است که دهان و دندان ما را می پوشاند و در سخن گفتن به ما کمک می کند. ما باید نعمتهای خدا را بشناسیم و آنها را در راههای صحیح بکار اندازیم.

کتابهای آموزنده مطالعه کنیم، از دیدن شگفتیهای جهان آفرینش به عظمت و بزرگی آفریننده آن پی ببریم، و سخنان خوب و سودمند بگوییم و کسی را با زبان خویش از خود نرنجانیم.



قرآن بخوانیم

هدف همه پیغمبران اصلاح جامعه بوده است



انْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ .

مقصودی جز اصلاح - تا آنجا که از دستم برآید - ندارم.

این گفتار یکی از پیغمبران خداست که در قرآن آمده است. آنچه در

قرآن بیان شده است پند و اندرزهایی است برای همه. نظر هر فرد
مسلمان این است که:

«تا آنجا که بتوانم در اصلاح خود و جامعه می‌کوشم.»

باغبان اگر بخواهد باغی خرم و پرمحصول داشته باشد، باید همیشه
مراقب باشد: علفهای هرزه را بزند، شاخه‌های بیفایده را قطع کند،
با آفات درختها و میوه‌ها مبارزه کند، آب و کود بموقع به گل و سبزه‌ها
بدهد.

وجود هر يك از ما همچون بوستانی است که باید به آن برسیم و از آن
مراقبت کنیم. یعنی در اصلاح عیبهای خویش بکوشیم، تا پاک و
پیراسته شویم.

جامعه نیز، همچون گلستانی است که هر فرد یکی از گلها و شاخه‌های
آن است. ما باید بخواهیم که همیشه این گلستان سرسبز و باصفا بماند
و مردم همه خوب و آسوده زندگی کنند و از بدیها و آفتها به دور
باشند: بیماری، نادانی، فقر و گمراهی آفت است. باید هرکس به
اندازه توانایی خود از این آفتها جلوگیری کند و در فکر اصلاح جامعه
باشد.

پیغمبر اکرم فرمود:

«هر که سر از خواب نوشین بردارد و درباره

مشکلات برادران مسلمان خود چاره‌اندیشی نکند مسلمان نیست.»

قرآن بخوانیم

با ایمان باشیم و در راه کسب دانش کوشش کنیم

يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ أُوتُوا لَعْلَمَ دَرَجَاتٍ .

خدا مردم با ایمان و دانا را پمرا تب بر دیگران برتری می دهد.

مردم با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. برخی از این تفاوتها از اختیار آدمی بیرون است، مانند تفاوت در شکل، رنگ پوست، وابستگی خانوادگی، زبان مادری، نژاد و زادگاه.

در اسلام اینگونه تفاوتها باعث برتری قومی بر قوم دیگر یا فردی بر فرد دیگری نمی‌شوند.

و هیچکس حق ندارد خود را مثلا به خاطر نژاد، بالاتر از دیگران بداند و به آنان که از نژاد دیگری هستند بی‌اعتنایی کند.

اما برخی خوبیهها را می‌توان بر اثر کوشش بدست آورد مانند علم و دانش، نیکوکاری، پاکیزه و منظم بودن، جدی بودن و

با داشتن این صفتهاست که می توان واقعاً برتر شد.

چون فرد با ایمان نسبت به اشخاص بی عقیده، انسان دانا نسبت به شخص نادان، مردم نیکوکار نسبت به مردم بدکار، افراد منظم و جدی نسبت به اشخاص بی نظم و تنبل برتری دارند، ما باید بکوشیم همیشه با ایمان کامل از دستورهای خداوند پیروی کنیم. نیکوکار باشیم، بردانش خود بیفزاییم، و در تمام کارهای خود جدی و منظم باشیم.

الله
الله

قرآن بخوانیم

پاکدل و بانظافت باشیم

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ .

خدا کسانی را که توبه می کنند و همچنین پاکیزگان را دوست دارد.

از این آیه دو مطلب می آموزیم:

اگر ندانسته کار ناشایستی از ما سر زد، باید آن را جبران کنیم و از
خطای گذشته خویش پشیمان شویم
و بکوشیم که دیگر آن کار را تکرار نکنیم.
این عمل را «توبه» می گویند.
توبه یعنی بازگشت.

خدا دوست دارد که مردم بدکار از راه بد خود دست بردارند و به راه
راست و نیکوکاری باز گردند
و بکوشند که دیگر به راه بد برنگردند
و در راه راست ثابت قدم بمانند.

اگر لباس یا بدن یا اسباب و وسایل کار و خانه ما آلوده و کثیف شدند،
باید هرچه زودتر آنها را پاک و پاکیزه کنیم، تا هیچگونه آلودگی نداشته
باشیم.

نیز سعی کنیم موی سر و دهان و دندان ما نظیف باشد.
همیشه باید ظاهری منظم و آراسته داشته باشیم
و همچنین فکر و دل ما پاک و پیراسته باشد.

قرآن بخوانیم

به وظایف دینی و اجتماعی خود عمل کنیم

الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ

وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ .

مردان و زنان با ایمان دوست یکدیگرند. به نیکی فرمان می دهند و از بدی باز می دارند، نماز برپای می دارند و زکات می دهند و از خدا و پیغمبرش پیروی می کنند. این مردمان که بزرگوار رحمت خدا به آنان می رسد.

ایمان به خداوند یکتا و پرستش او در میان مردم دوستی و یگانگی ایجاد می کند و باعث می شود که مردم یار و خیر خواه یکدیگر شوند و در حفظ جان و مال و آبروی هم بکوشند.

مردم با ایمان همدیگر را به کارهای نیک تشویق می کنند و از کارهای

بد باز می‌دارند. از نمازگزاری غفلت نمی‌کنند. برای بهبود زندگی
همدیگر می‌کوشند و از دستورهای خداوند و پیغمبر او سرپیچی
نمی‌کنند. خداوند، اینگونه مردم را همواره دوست خواهد داشت.
ما نیز همیشه کوشش می‌کنیم با یکدیگر مهربان باشیم، دستورهای
خداوند را اجرا کنیم، و به یکدیگر کمک کنیم.



قرآن بخوانیم

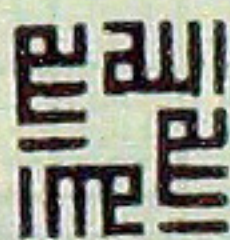
به یاری مستمندان بشتابیم

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّسَائِلٍ وَ لِمَحْرُومٍ .

سهم معینی از مال تروتمندان به نیازمندان و تهیدستان
تعلق دارد.

ما مسلمانان برادر و خواهر یکدیگر هستیم و همگی باید از آسایش

زندگی بهره‌مند باشیم. ثروتمندان باید بدانند که نیازمندان از مال و ثروت آنان حقی دارند و این حق باید داده شود. ثروتمندان باید برای نیازمندان کار و سرمایه فراهم آورند و نیازمندیهای آنان را برطرف سازند. ثروتمندان باید در پیشرفت و بهبود زندگی نیازمندان بکوشند. از این رو خدا دستور می‌دهد آنان که ثروتی دارند، از مال خود سهمی برای مردم تهیدست و از کار افتاده در نظر بگیرند. در این صورت است که فاصله میان زندگی ثروتمندان و تهیدستان کم می‌شود و همه از زندگی خوب و آسوده برخوردار خواهند شد.



قرآن بخوانیم

در خرج مال میانه‌رو باشیم

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ لَبْسٍ فَنَقُودَ مَلُومًا مَّحْسُورًا.

در خرج کردن و بخشش نه چندان دست خود را به گردن بسته دار

و نه چندان دست‌باز باش بدانگونه که هر چه داری از دست بدهی
و پریشان و حسرت‌زده به گوشه‌ای نشینی.

اسلام به ما دستور می‌دهد که مقداری از دارایی خود را در راه تأمین
نیازمندیهای خود بکار بریم و مقداری را نیز در راه خدمت به جامعه
صرف کنیم و در این کار میانه‌روی را رعایت کنیم.
در بین مردم کسانی هستند که از ثروت خود استفاده نمی‌کنند و در
زندگانی به خود و خانواده خود سخت می‌گیرند.
برعکس، بعضی دیگر هر چه درآمد دارند بی‌حساب خرج می‌کنند یا به
این و آن می‌بخشند و در فکر آینده خود نیستند و در نتیجه، بزودی
تنگ‌دست و درمانده می‌شوند.

از این آیه می‌آموزیم که باید میانه‌رو باشیم، نه آنچنان بخیل و پول‌دوست
باشیم که بهیچ وجه حاضر به خرج کردن مال خود نباشیم و به دیگران هم
احسان و خدمتی نکنیم،
و نه برعکس، هر چه داریم از بین ببریم.

باید چنان بود که از دارایی خود هم زندگی شخصی را بهتر ساخت و هم
به دیگران خدمت کرد.

قرآن بخوانیم

کارهای خود را از روی فکر و دقت انجام دهیم

لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ

وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا.

از آنچه بدان علم و آگاهی نداری پیروی مکن، چون چشم و گوش

و دل از این پیروی کورکورانه بازخواست می شوند.

بعضی از مردم هر حرفی که شنیدند فوری باور می کنند، یا در همه کارها از دیگران تقلید می کنند. بی آنکه خود درباره کاری فکر کنند، همیشه دنباله رو دیگران هستند، و بی جهت می خواهند هم رنگ دیگران شوند.

دین اسلام دوست دارد که مردم عقل خود را بکار اندازند، خوب بیندیشند، و بدون فکر و مطالعه درباره چیزی اظهار نظر نکنند.

اگر آدمی مطلبی را بدون دلیل بپذیرد، ممکن است گمراه شود و فریب بخورد.

اگر آدمی عادت کند هر چیزی را از روی دلیل و دقت و بررسی کافی بپذیرد، در زندگی کمتر فریب خواهد خورد.

خداوند به ما چشم داده است

تا خوب ببینیم و ندیده و نفهمیده داوری نکنیم،

گوش داده است

تا درست بشنویم و مطلبی را تنها با ظن و گمان نپذیریم.

از همه بالاتر به ما فهم داده است

تا هر چیز را درست درک کنیم و بشناسیم.

اگر ما از این نعمت‌های بزرگ بخوبی استفاده کنیم،

هرگز گمراه نمی‌شویم.

قرآن بخوانیم

از مکافات عمل غافل مشو

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ .

هر کس به اندازه یک ذره کار نیک انجام دهد پاداش آن را خواهد دید، و هر کس به اندازه یک ذره کار بد انجام دهد به کیفرش خواهد رسید.

آن که کار نیکی انجام می دهد، از باطن سروری می یابد. از خود رضایت خاطری پیدا می کند. به همه خوشبین می شود. روح و ذهنش آماده انجام دادن کارهای شایسته و بزرگ می گردد. عزم و اراده اش استوار می شود.

نیکوکار بین خود و دیگران فرقی نمی بیند. نه از کسی ملول می شود و نه بر کسی حسد می ورزد. از خوشبختی دیگران خوشحال است. چنین کسی اندیشه ای آرام دارد و روزگارش را با خاطر آسوده می گذراند.

پس نیکی که نیکوکار به دیگران می کند، درحقیقت درحقّ خود می کند.
حتی آن که دربارۀ دیگران بنیکی می اندیشد، نتیجۀ این نیک اندیشی
به خود او برمی گردد.

آن که به دیگران بدی می کند، پیوسته از خودملول است. همه کس و همه
چیز را بد می بیند. اندیشه و ذهن چنین کسی تاریک است. اراده ای
ناتوان دارد و خود را در میان مردم بیگانه می یابد.

آزاری که بدکار به دیگران می رساند کیفرش را می بیند. حتی آن که
در بارۀ دیگران بدی می اندیشد، نتیجۀ این بداندیشی به خود او
برمی گردد.

علاوه بر پاداش و کیفری که نیکوکاران و بدکاران در این جهان
می بینند، پاداش و کیفری دیگر در روز رستاخیز در انتظار آنان است.

آری هر کس به اندازه یک ذره کار نیک انجام دهد پاداش آن را خواهد
دید

و هر کس به اندازه یک ذره کار بد کند به کیفرش خواهد رسید.

قرآن بخوانیم

مال خود را از راه حلال بدست آوریم و در راه حلال مصرف کنیم

لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ .

در اموال یکدیگر ناحق تصرف نکنید، جز اینکه در برابر، معامله و بازرگانی انجام دهید، و این معامله با رضایت انجام شود.

بعضی از مردم فکر نمی‌کنند مالی که بدست می‌آورند، باید از راه صحیح و حلال باشد. مثلاً اگر چیزی را پیدا کردند، به دست صاحبش نمی‌رسانند؛ یا مثلاً موقع خرید و فروش یکدیگر را فریب می‌دهند و جنسی را که عیب دارد به جای جنس سالم می‌فروشند. کم فروشی یا گران‌فروشی می‌کنند. اگر در اداره یا کارگاه یا مؤسسه‌ای کار می‌کنند، توجه ندارند که باید بموقع سرکار خود حاضر شوند و کار را بخوبی انجام دهند تا پولی که در برابر آن می‌گیرند حلال باشد. آنان سعی دارند بی‌آنکه کار درستی انجام دهند، درآمدی بدست آورند. اینگونه

رفتارها درست برخلاف دیانت و عدالت است.
قرآن به ما دستور می دهد که در صدد بدست آوردن هیچ مالی بدون انجام دادن کار مفید نباشیم. در کار خود حيله و تقلب نکنیم. اگر کاری را بعهده گرفتیم، آن را بخوبی انجام دهیم.
اگر تمام مسلمانان به این دستور دینی عمل کنند، زندگی آنان بخوبی خواهد گذشت و همه در آرامش و آسایش بسر خواهند برد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن بخوانیم

یار و مددکار دیگران باشیم

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ
وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ .

اهل بهشت کسانی هستند که در راه خدا انفاق می کنند، در هنگام

آسایش و در موقع سختی، و آنان که خشم خود را فرو می‌نشانند،
و آنان که از مردم در می‌گذرند. خدا نیکوکاران را دوست دارد.

از این آیه چند مطلب می‌آموزیم:

— بعضی از مردم هستند که وقتی در ناز و نعمت باشند، در کارهای خیر شرکت می‌کنند، اما هنگامی که وضع زندگیشان خوب نیست پریشان و افسرده شده به همه چیز بدبین می‌شوند و به همان اندازه هم که از دستشان ساخته است کار خیر نمی‌کنند.

بعضی دیگر برعکس، هنگام گرفتاری به یاد خدا می‌افتند و در آسایش و ناز و نعمت، سرگرم خوشگذرانی می‌شوند و نسبت به دیگران غافل و بی‌اعتنا می‌گردند.

در صورتی که مردم تربیت شده و با ایمان در همه حال به کارهای خیر علاقه دارند. نه ثروت فراوان آنان را مغرور و بیخبر می‌کند، و نه تنگدستی آنان را ناامید و افسرده، بلکه در هر حال خیرخواه دیگرانند و سعی دارند به اندازه توانایی خود خدمتی انجام دهند.

— هنگامی که خشمگین می‌شویم باید بردبار و خویشتندار باشیم، تا کارهای نابجایی از ما سر نزنند و به خود یا دیگران صدمه نرسانیم.
— مردم با ایمان از گناه دیگران می‌گذرند و بدیهای آنان را می‌بخشند.
— احسان در راه خدا، فرو نشانیدن خشم، گذشت از دیگران، همه کارهای نیک هستند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

قرآن بخوانیم

شکر نعمت نعمت افزون کند

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا أَمَّا بِأَنْفُسِهِمْ .

تا خوی و رفتار ملتای تغییر نکند، خدا نعمتی را که به آنان داده است،
از آنان پس نخواهد گرفت.

اگر جامعه‌ای پیشرفت می‌کند، در علم و صنعت، قدرت و ثروت پیش
می‌افتد، بدان جهت است که افراد آن جامعه، خود برای رسیدن به آن،
کوشش کرده‌اند. کسی که خوب درس می‌خواند دانشمند می‌شود، و آن
که بخوبی کار می‌کند در کار خویش پیشرفت می‌کند. مردمی که بایگانگی
و همکاری راه‌های خوشبختی را پیدا می‌کنند و با پشتکار و فداکاری
قدم برمی‌دارند، پیروز می‌شوند. برعکس، اگر مردمی با هم دشمنی
کنند، سست و تنبل باشند و با یکدیگر به دروغ و حيله‌گری رفتار کنند،
آن مردم روی خوشبختی را نخواهند دید.

پس خدا، اینچنین خواسته است که مردم خوب بیندیشند و از روی فکر

کار کنند و از بدیها و کژیها دست بردارند، و در راه خیر پایدار و کوشا باشند. آنگاه آرزوی خوشبختی و زندگی بهتری کنند که در این صورت به آرزوی خود خواهند رسید. آری، سرنوشت هر جامعه در گرو تدبیر و رفتار آن جامعه است.



قرآن بخوانیم

آداب صحیح معاشرت را رعایت کنیم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا

وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ.

ای مردم با ایمان! به خانه‌ای جز خانه‌های خودتان قبل از آنکه شناخته شوید و سلام کنید سرزده داخل نشوید، این کار برای شما بهتر است. امید است از گفتار خدا پند گیرید.

ما باید آداب معاشرت و راه و رسم زندگی با دیگران را بیاموزیم. اگر کسی راه و رسم زندگی را نداند، هم ناراحتی و رنجش دیگران را فراهم می‌کند و هم ارزش و احترام خود را از دست می‌دهد.

یکی از آداب معاشرت آن است که آدمی بی‌اجازه به‌خانه یا اتاق کسی وارد نشود. و اگر اجازه ورود خواست و به او اجازت ندادند برگردد. و اگر اجازه ورود دادند سلام گوید و با رعایت ادب وارد شود.

همچنین بی‌اجازه در کار کسی دخالت نکند و به حرف‌های پنهانی کسی گوش ندهد و نوشته‌های دیگری را، اگر او راضی نیست، نخواند.

اگر ما احترام دیگران را نگاه داریم، دیگران نیز با ما به احترام رفتار می‌کنند و همه باهم دوست می‌شویم.

اما اگر به‌آسایش دیگران بی‌اعتنایی کنیم و اسباب ناراحتی آنان را فراهم سازیم،

نباید از دیگران انتظار ادب و احترام نسبت به خود داشته باشیم.

آنچه بر خود نمی‌پسندیم بر دیگران نیز نباید روا بداریم.

قرآن بخوانیم

کارهای نیک انجام دهیم تا فردی شایسته باشیم

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ . أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ .

شما نیکوترین ملتی هستید که در جهان پدید آمدید، مردم
را به کار نیک وادار می کنید و از کار زشت باز می دارید
و به خدا ایمان دارید.

دستورهای اسلام برای تأمین آسایش همه مردم جهان است و اگر
مسلمانان با این دستورها خوب آشنا باشند و آنها را اجرا کنند بهترین
ملت در جهان خواهند بود.

يك ملت وقتی پیشرفت خواهد کرد که افراد آن مانند برادر و خواهر
غمخوار هم باشند و همیشه مصلحت ملت و کشور خود را در نظر بگیرند

و بخواهند همه مردم زندگی راحت داشته باشند.
 وقتی که افراد يك جامعه، به اندازه توانایی و آگاهی خود خوببها را
 رواج دادند و از فساد و ستم جلوگیری کردند، کم کم بدبها از بین می رود
 و پاکی و شایستگی و درستکاری جایگزین آنها می شود و جامعه ای سربلند
 و خوشبخت بوجود می آید. پس چنانکه در آیه بالا می خوانیم باید کارهای
 نیک انجام دهیم و دیگران را نیز تشویق کنیم که کارهای خوب بکنند و
 از کارهای زشت دوری گزینند.



قرآن بخوانیم

از حقیقت دفاع و از باطل پرهیز کنیم

لَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ .

هیچگاه مطلب حق و درست را با آنچه باطل و نادرست است به یکدیگر
 نیامیزید، و آنچه را که درست است نادیده نگیرید، با آنکه شما

کتاب اسمانی را می خوانید و از آن آگاهی دارید. آیا در این باره
نمی اندیشید؟!

این آیه به ما دستور می دهد که حرفهای راست و دروغ را به هم مخلوط
نکنیم و بکوشیم آنچه را که درست است قبول کنیم.

همچنین اگر از ما درباره چیزی شهادت خواستند و ما از آن خبر داریم
بدرستی شهادت دهیم، چه بسا اگر آنچه را می دانیم نگوییم یا خلاف
بگوییم حق کسی از بین برود.

از طرف دیگر،

راهنمایان دینی و وظیفه دارند، آنچه را می دانند
و دانستن آن برای مردم لازم و سودمند است به مردم بگویند
و اگر می بینند مردم در اشتباهند،
آنان را از اشتباه بیرون آورند
و گرنه در گناه گمراهی مردم شریک خواهند بود.

آری مردم خردمند در همه کارها حقیقت را در نظر می گیرند و از حق
طرفداری می کنند.

قرآن بخوانیم

در زندگی با انصاف و عدالتخواه باشیم

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِ
مَنْكُمْ شَيْءٌ سَنَّانُ قَوْمٍ عَلَىٰ الْآخَرِ لِئَلَّا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ.

ای مردم با ایمان! در راه خدا پایدار باشید، به عدل و داد گواهی دهید، و دشمنی با قومی شما را وادار به ظلم و بیعدالتی نکند. با عدالت رفتار کنید که عدل و داد به پرهیزکاری نزدیکتر است.

از این آیه چند مطلب می آموزیم:

— باید در راه خدا ثابت قدم باشیم و هیچگاه دست از کوشش در کارهای خیر برنداریم. به خاطر خدا بکوشیم تا وظیفه خود را خوب انجام دهیم و به مردم خدمت کنیم.

— اگر از ما درباره امری گواهی خواستند و ما از آن بخوبی آگاه نیستیم، هیچگونه اظهار نظری نکنیم.

و اگر از آن اطلاعی داریم، سعی کنیم درست نسبت به آنچه می‌دانیم گواهی دهیم

یعنی از خود چیزی بر آن اضافه یا از آن کم نکنیم.
زیرا ممکن است شهادت ما باعث ریختن آبرو یا برباد رفتن جان و مال کسی شود.

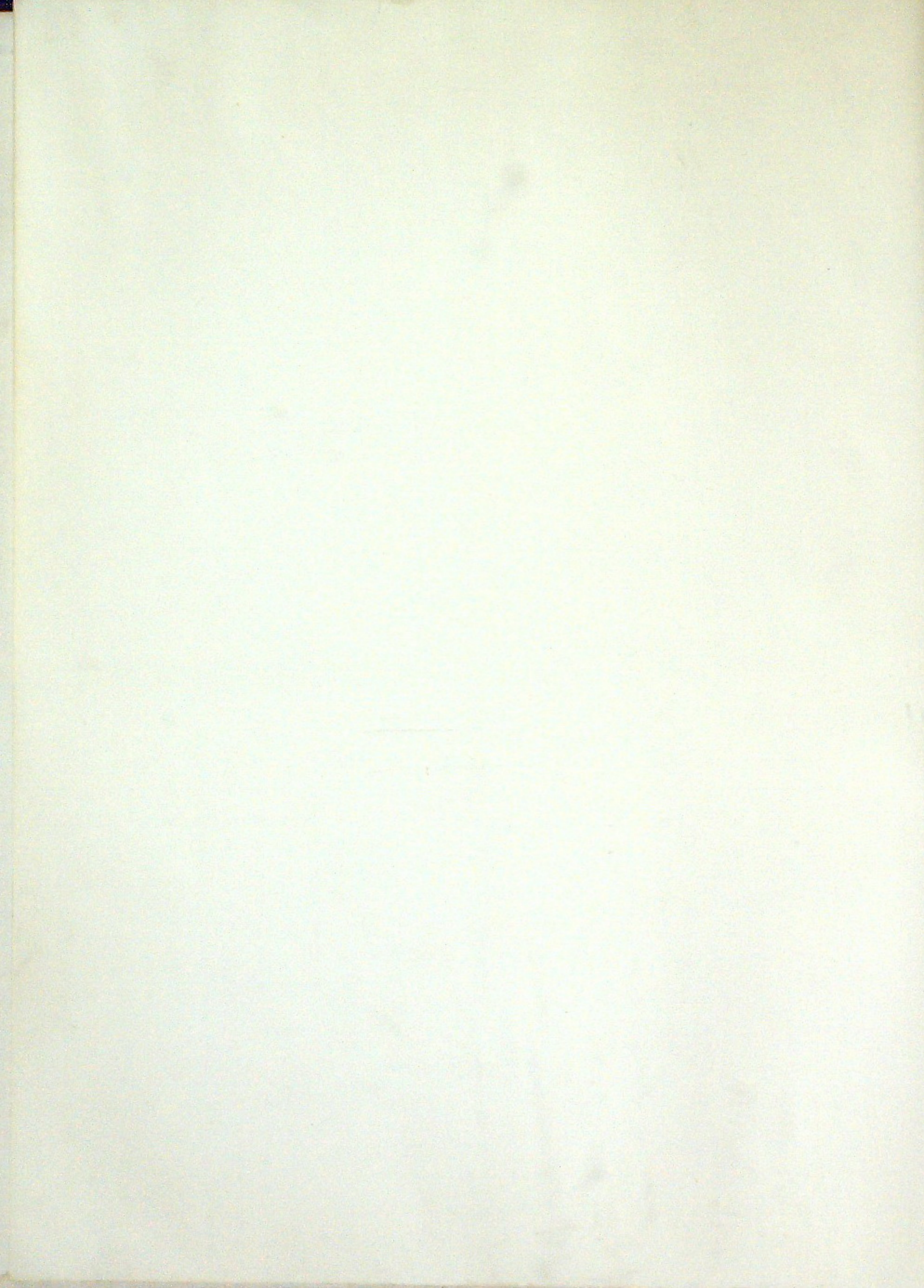
— در رعایت عدالت و انصاف، حتی نسبت به غیر مسلمانان یا دشمنان، کوشا باشیم.
حق کسی را از بین نبریم و کسی را آزار ندهیم.

— اگر عدل و داد را رعایت کنیم،

آدم منظمی بار می‌آییم

و در برابر گناه و لغزش ایستادگی می‌کنیم
و با تقوی می‌شویم.

زیرا تقوی همین توانایی ایستادگی در برابر گناه است.



سازمان کتابهای درسی ایران